



The Concept of Contextualism in Post-Islamic Iranian Architecture: Rereading Stylistic Developments with the Methodological Use of the Deconstruction Approach

Hadi Farhangdoust*

Department of Islamic Art and Architecture, Faculty of Islamic Art and Architecture, Imam Reza International University, Mashhad, Iran.

Sanaz Saeidi Mofrad

Associated professor, Department of urbanism, Ma.C., Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

Received: 2025/06/30

Accepted: 2025/11/10

Abstract

This study develops a historically grounded understanding of contextualism in post-Islamic Iranian architecture through a deconstructive approach. Rather than examining architectural styles through their physical characteristics alone, it investigates the conceptual and discursive transformations of the notion of “context,” emphasizing the role of extra-architectural correlates and the instability of meaning across different historical periods. In this perspective, context is understood not as a fixed physical condition but as a discursive construct shaped by power, culture, language, and history. The research addresses the limitations of existing studies, which have largely adopted descriptive approaches focused on stylistic features while overlooking the processes of meaning production and the influence of dominant discourses. Employing a qualitative methodology grounded in Jacques Derrida’s theory of deconstruction, the study analyzes binary oppositions, semantic structures, and power relations through textual and architectural sources. Six major architectural styles—Khorasani, Razi, Azari, Isfahani, Qajar, and contemporary architecture—are examined through coding and thematic analysis. The findings reveal that contextualism has been continuously redefined through changes in political, religious, cultural, and social discourses. In the Khorasani style, contextualism is associated with Islamic asceticism, local materials, and socio-religious structures. The Razi style reflects the growing influence of religious institutions and urban organization, while the Azari style expresses courtly power through monumental ornamentation. During the Safavid period, the Isfahani style employed urban space to reinforce national-religious authority. In the Qajar period, contextualism was shaped by the tension between local tradition and Western modernity, whereas contemporary architecture reflects the conflict between identity revival and global technological influences. The thematic analysis identifies four principal dimensions of contextualism: the relationship between center and periphery, conceptual binaries, the influence of power structures, and the role of extra-architectural correlates, including cultural, political, economic, and religious factors. The study concludes that contextualism in Iranian architecture is not a fixed or unified concept but a dynamic and historically reconstructed phenomenon produced through discursive formations and power relations. Accordingly, context should be interpreted as a historically contingent and continuously evolving construct rather than an essential or universal architectural principle.

Keywords:

Critical Re-reading,
Jacques Derrida,
Stylistics,
Iranian Architecture,
Islamic Architecture

© 2025 by the authors. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license .

(<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



Citation: Farhangdoust H, Saeidi Mofrad S. (2026). The Concept of Contextualism in Post-Islamic Iranian Architecture: Rereading Stylistic Developments with the Methodological Use of the Deconstruction Approach. *Journal of Researches in Islamic Architecture*, 13 (4): 105-135.

[10.61882/jria.13.4.7](https://doi.org/10.61882/jria.13.4.7)

* **Corresponding Author:** h.farhangdoust@imamreza.ac.ir



مفهوم زمینه‌گرایی در معماری ایران پس از اسلام: بازخوانی تحولات سبکی با استفاده از روش شناختی از رویکرد واسازی

هادی فرهنگدوست*

کارشناس ارشد معماری اسلامی، دانشکده هنر و معماری اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام رضا (ع)، مشهد، ایران.

ساناز سعیدی مفرد

دانشیار گروه شهرسازی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۴/۰۹ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۴/۰۸/۱۹

چکیده

پژوهش حاضر با رویکردی واسازانه به بررسی تحول مفهوم زمینه‌گرایی در سبک‌های معماری ایران پس از اسلام (خراسانی، رازی، آذری، اصفهانی، قاجار، و معاصر) می‌پردازد. مسئله اصلی، ترکیب‌شناسی و رابطه‌یابی عوامل فعال در حوزه زمینه‌گرایی و بازنمود آن در سبک‌های معماری هر دوران، بر اساس ساختار هم‌بسته‌های فرامعماری است. هدف پژوهش، نشان دادن چگونگی تغییر در تعداد عوامل، حجم کمی و محتوای کیفی روابط بین عوامل تشکیل‌دهنده زمینه‌گرایی معماری در این دوران‌ها است. روش تحقیق، کیفی از نوع واسازی با تمرکز بر خوانش انتقادی متون و اسناد کتابخانه‌ای است. این روش شامل شناسایی تقابل‌های دوگانه، بررسی سلسله‌مراتب ارزشی و آشکارسازی ناپایداری آن‌ها در مفهوم زمینه‌گرایی است. یافته‌های اولیه حاکی از آن است که عوامل شکل‌دهنده به زمینه‌گرایی فراتر از جنبه‌های کالبدی و اقلیمی بوده و شامل مولفه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی نیز می‌شود که در هر دوره تاریخی و تحت تأثیر گفتمان‌های غالب، دستخوش تغییر و تحول شده‌اند. به‌عنوان مثال، مفهوم بومی بودن یا تناسب با زمینه در هر سبک معماری، بار معنایی و مصادیق متفاوتی داشته است. نتایج این پژوهش می‌تواند به درکی عمیق‌تر از پویایی مفهوم زمینه‌گرایی کمک کرده و در آموزش معماری، نقد و سیاست‌گذاری‌های شهری مورد استفاده قرار گیرد تا از رویکردهای تقلیدی و ایستا فراتر رفته و به خلق فضاهایی پاسخگو و معنادار در بستر فرهنگی و تاریخی ایران یاری رساند. این تحقیق بر ضرورت بازخوانی مداوم مفاهیم کلیدی معماری برای مواجهه خلاقانه با چالش‌های معاصر تأکید دارد.

واژگان کلیدی: بازخوانی انتقادی، ژاک دریدا، سبک شناسی، معماری ایرانی، معماری اسلامی.

ارجاع به مقاله: فرهنگدوست هادی، سعیدی مفرد ساناز. (۱۴۰۴). مفهوم زمینه‌گرایی در معماری ایران پس از اسلام: بازخوانی تحولات سبکی با استفاده از روش شناختی

doi 10.61882/jria.13.4.7

از رویکرد واسازی، پژوهش‌های معماری اسلامی، ۱۳ (۴): ۱۳۵-۱۰۵.

* نویسنده مسئول: h.farhangdoust@imamreza.ac.ir

۱. مقدمه

معماری، به مثابه آینه‌ای از فرهنگ، تاریخ و ارزش‌های یک جامعه، همواره در تعاملی پویا با زمینه خود شکل گرفته است (قنبری و منصور ۱۳۹۶، ۴۰). مفهوم زمینه در مطالعات معماری و شهرسازی، اگرچه به طور گسترده مورد استفاده قرار می‌گیرد، اما اغلب با تعاریف و تفاسیر متعدد و گاه متناقضی همراه بوده است (نیائی و عینی‌فر ۱۴۰۱، ۲). از درک زمینه به مثابه صرفاً محیط کالبدی و فیزیکی تا تلقی آن به عنوان مجموعه‌ای پیچیده از عوامل فرهنگی، اجتماعی، تاریخی، اقتصادی و سیاسی، همگی نشان از گستردگی و اهمیت این مفهوم دارند (بحریه، طوفان، و اکبری نامدار ۱۳۹۹، ۸). زمینه‌گرایی در معماری، مفهومی چندوجهی و پویاست که به ارتباط متقابل و معنادار میان یک اثر معماری و بستر پیرامون آن، اعم از ابعاد کالبدی، فرهنگی، اجتماعی، تاریخی و محیطی، اشاره دارد (عاکف و نوری ۱۳۹۴، ۳).

معماری ایران پس از اسلام، با پیشینه‌ای غنی و تنوعی چشمگیر در سبک‌ها و دوره‌های تاریخی، نمونه‌ای بارز از این تعامل پیچیده میان اثر معماری و زمینه آن است (احمدی، تسلیمی، و رضایی ۱۳۹۵، ۲). هر یک از سبک‌های معماری این دوران -از سادگی و خلوص سبک خراسانی تا شکوه و تزئینات سبک اصفهانی و تأثیرات مدرنیسم در معماری معاصر- را می‌توان به عنوان پاسخی به شرایط و الزامات زمینه خاص خود تفسیر کرد (محمدی و جودت ۱۴۰۲، ۵). اگرچه این مفهوم در طول تاریخ معماری، به ویژه در ایران باستان و پس از اسلام، همواره به انحاء مختلف تجلی یافته و معماران ایرانی تلاش کرده‌اند تا آثاری همخوان و هماهنگ با زمینه خود خلق کنند (نیکنام ۱۳۹۶، ۳).

با این حال، درک رایج از زمینه‌گرایی، به ویژه در دوران معاصر، گاه به تقلیل آن به مجموعه‌ای از دستورالعمل‌های فرمی یا تقلید صرف از عناصر تاریخی منجر شده است (نادریان و قشقایی ۱۴۰۱، ۵). این رویکرد سطحی، از درک لایه‌های عمیق‌تر و پیچیده‌تر زمینه، که در گفتمان‌های فرهنگی، اجتماعی و حتی سیاسی هر دوره ریشه دارد، باز می‌ماند (نقوی و مظاهریان ۱۳۹۸، ۷۰). به دیگر بیان، رویکردهای غالب در تحلیل زمینه‌گرایی در معماری ایران، عمدتاً بر شناسایی عوامل تأثیرگذار و توصیف چگونگی بازتاب آن‌ها در کالبد معماری متمرکز بوده‌اند (نادریان و قشقایی ۱۴۰۱، ۶). این رویکردها، هرچند در جای خود ارزشمند، اما ممکن است از درک لایه‌های عمیق‌تر و پنهان‌تر معنا و همچنین از نقش ساختارهای قدرت و گفتمان‌های مسلط در شکل‌دهی به مفهوم زمینه و شیوه‌های پاسخ به آن، غافل بمانند. اینجاست که ضرورت اتخاذ یک رویکرد انتقادی و

واسازانه آشکار می‌شود (نقوی و مظاهریان ۱۳۹۸، ۷۵). پژوهش حاضر با اتخاذ رویکردی انتقادی، به دنبال فراتر رفتن از این تعاریف ایستا و بررسی تحولات مفهوم زمینه‌گرایی در بستر سبک‌های معماری ایران پس از اسلام است. مسئله پژوهش، ترکیب‌شناسی و رابطه‌یابی عوامل فعال در حوزه زمینه‌گرایی معماری ایران پس از اسلام بر اساس ساختار هم‌بسته‌های فرامعماری هر دوران و باز نمود آن در سبک‌های معماری همان دوران می‌باشد. این پژوهش بر آن است تا با بهره‌گیری از روش واسازی، به مثابه ابزاری برای خوانش انتقادی متون (اعم از نوشتاری و معماری)، به لایه‌برداری از مفروضات پیشین و آشکارسازی تناقض‌ها و سلسله‌مراتب پنهان در گفتمان زمینه‌گرایی معماری ایران بپردازد.

اهمیت این مسئله از آنجا ناشی می‌شود که فهم عمیق‌تر از چگونگی شکل‌گیری و دگرگونی مفهوم زمینه در هر دوره، می‌تواند به خلق معماری‌هایی منجر شود که نه تنها به نیازهای عملکردی پاسخ می‌دهند، بلکه با هویت فرهنگی و تاریخی جامعه نیز پیوندی عمیق برقرار می‌کنند (حسینی نسب ۱۳۹۷، ۴۵). نوآوری این پژوهش در به کارگیری روش واسازی برای تحلیل مفهوم زمینه‌گرایی در معماری ایران است. در حالی که اغلب پژوهش‌های پیشین به توصیف مصادیق یا تحلیل عوامل محدود پرداخته‌اند، این تحقیق با نگاهی ساختارشناسانه، به دنبال آشکارسازی تناقض‌ها، سلسله‌مراتب پنهان و معنا‌های به حاشیه رانده شده در گفتمان زمینه‌گرایی هر دوره است (ذوقی حسینی ۱۴۰۴، ۱۱۸). زمینه و ادبیات موضوع نشان می‌دهد که اغلب مطالعات پیشین در حوزه زمینه‌گرایی معماری ایران، با وجود ارزش‌های انکارناپذیر، عمدتاً بر توصیف و تحلیل تاریخی یا شناسایی عوامل تأثیرگذار به شیوه‌ای اثبات‌گرایانه متمرکز بوده‌اند و کمتر به واسازی مفاهیم بنیادین و روابط پیچیده قدرت و گفتمان در شکل‌گیری انگاره‌های زمینه پرداخته‌اند (رشیدزاده ۱۴۰۰، ۷).

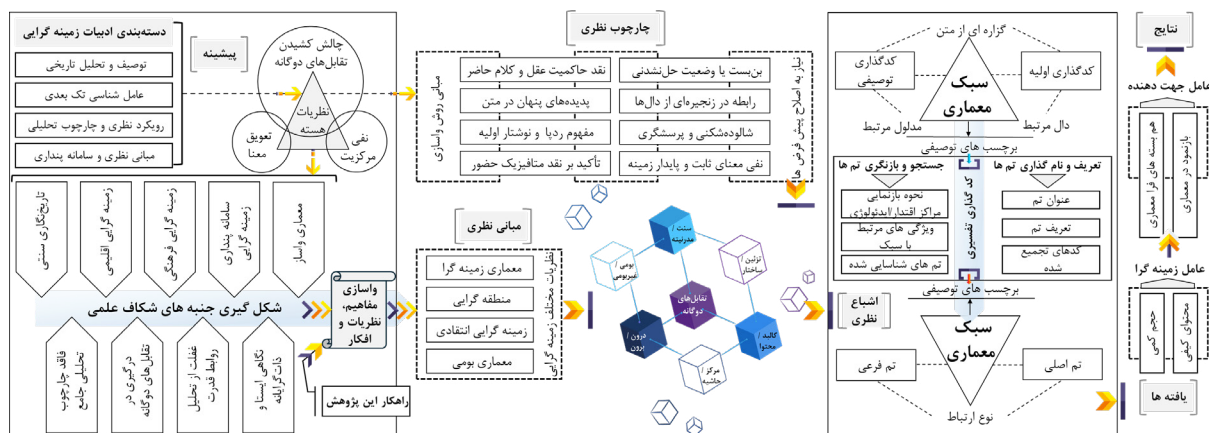
تناقض‌های نظری و مفهومی در تعاریف متعدد زمینه و اولویت‌بندی‌های متفاوت عوامل (کالبدی، فرهنگی، اجتماعی، و غیره) در تحلیل‌های موجود، شکاف دانشی مهمی را آشکار می‌سازد (اکبری و دیگران ۱۳۹۶، ۳۲۸). شواهد علمی و تحلیل‌های تاریخی (مانند بررسی تأثیر تغییرات سیاسی و ایدئولوژیک بر الگوهای معماری) ضرورت بازنگری انتقادی در این حوزه را تأیید می‌کنند (ریاحی‌زاده، فلامکی، و پورزرگر ۱۴۰۱، ۵). در زمینه محلی ایران، درک عمیق‌تر و چندلایه‌تر از زمینه‌گرایی می‌تواند به ارتقای کیفیت طراحی معماری و شهرسازی معاصر و همچنین حفظ و احیای هویت‌مند میراث معماری کمک شایانی نماید (میری حکیم‌آباد و دیگران ۱۴۰۰). روش تحقیق این پژوهش، کیفی از نوع واسازی است

حال آنکه معارف اسلامی مبتنی بر «حضور» امر متعالی و اصلت «مرکز» (توحید) است. پژوهش حاضر «واسازی» را نه به‌عنوان یک هستی‌شناسی یا یک رویکرد در «طراحی»، بلکه به‌مثابه یک «ابزار تحلیلی» برای «خوانش انتقادی متون» به کار برده است.

نکات کلیدی به دست آمده از این پژوهش، شامل شناسایی مراکز مقتدر و حاشیه‌های گفتمانی در هر سبک معماری، آشکارسازی نقش هم‌بسته‌های فرامعماری (مانند ساختارهای قدرت، نظام‌های اقتصادی، باورهای دینی، و ایدئولوژی‌های حاکم) در جهت‌دهی به شیوه‌های زمینه‌گرایی و در نهایت، ارائه یک مدل تفسیری از پویایی و ناپایداری مفهوم زمینه در بستر تاریخ معماری ایران است. بررسی تفسیری یافته‌ها نشان خواهد داد که زمینه‌گرایی نه یک مفهوم ثابت و از پیش تعیین شده، بلکه یک برساخت گفتمانی است که در هر دوره تاریخی و در هر سبک معماری، تحت تأثیر نیروهای مختلف، بازتولید و دگرگون می‌شود. این پژوهش از طریق واسازی تقابل‌های دوگانه‌ای چون سنت/مدرنیته، بومی/غیربومی، فرم/محتوا، و کالبد/معنا در تحلیل زمینه‌گرایی، به دنبال فراتر رفتن از دوگانه‌نگاری‌های ساده‌انگارانه است.

که بر خوانش، شناخت، تفسیر و تعیین عناصر و مفاهیم کلیدی و غیرکلیدی در متون (اعم از نوشتاری و معماری به مثابه متن) برای دستیابی به آنچه متن واقعاً می‌گوید، به جای بسنده کردن به آنچه نویسنده قصد داشته بگوید، تمرکز دارد (عمرانی ۱۳۹۷، ۵). این روش از طریق از هم گشودن، باز کردن، شکستن و بازسازی و ترکیب‌سازی دوباره مفاهیم عمل می‌کند. تکنیک‌های واسازانه شامل نقد متافیزیک حضور، مرکززدایی، بررسی تقابل‌های دوگانه و زنجیره‌های بی‌پایان دال‌ها خواهد بود (حق لسان و شفق نیولویی ۱۳۹۶، ۳). تحلیل داده‌ها شامل کدگذاری اولیه و توصیفی، جستجو و بازنگری تم‌ها، تعریف و نام‌گذاری تم‌ها تا رسیدن به اشباع نظری و در نهایت تحلیل و توسعه تحلیل با رویکرد عمیق واسازانه خواهد بود.^۱

در این بین باید به وجود تمایزات بنیادین هستی‌شناختی^۲ و معرفت‌شناختی^۳ میان پارادایم پساساختارگرایی (که روش واسازی دریدا ذیل آن تعریف می‌شود) و پارادایم توحیدی (حاکم بر معارف اسلامی و معماری سنتی ایران)، به‌عنوان یک واقعیت فلسفی مسلم و دقیق اشاره کرد. روش واسازی، ذاتاً بر نقد «متافیزیک حضور»^۴ و «مرکزگرایی»^۵ استوار است،



تصور ۱. چهارچوب مفهومی پژوهش

ضرورت واسازی در تحلیل مفاهیمی چون زمینه‌گرایی از آنجا اهمیت می‌یابد که این مفاهیم اغلب بار ایدئولوژیک و گفتمانی دارند و بدون نگاهی انتقادی، ممکن است به بازتولید روابط قدرت و سلسله‌مراتب موجود کمک کنند (مرید صداقت و احمري ۱۳۹۳، ۵). آیا می‌توان ادعا کرد که درک ما از زمینه‌گرایی در سبک‌های مختلف، خود تحت تأثیر گفتمان‌های غالب همان دوران نبوده است؟ چگونه می‌توان از دام تقابل‌های دوگانه ساده‌انگارانه‌ای چون سنت/مدرنیته یا بومی/جهانی در تحلیل زمینه‌گرایی رهایی یافت؟

کاربردهای این پژوهش می‌تواند در حوزه آموزش معماری، نقد معماری و تدوین سیاست‌های طراحی شهری و روستایی مؤثر باشد. با ارائه درکی عمیق‌تر و چندلایه‌تر از زمینه، می‌توان به تربیت معمارانی یاری رساند که قادر به خلق آثاری نوآورانه و در عین حال ریشه‌دار در بستر فرهنگی خود باشند. ضرورت‌های انجام این پژوهش نیز از نیاز به فراتر رفتن از رویکردهای تقلیدی و سطحی به زمینه‌گرایی و همچنین لزوم بازنگری انتقادی در تاریخ معماری ایران با ابزارهای نظری نوین، نشأت می‌گیرد.

جدول ۱. خلاصه سوالات پژوهش و اهداف مرتبط با شکاف‌های معناشناختی

سوال پژوهش	هدف مرتبط از پژوهش (با تأکید بر واسازی)	شکاف معناشناختی/تناقض ضمنی
۱. عوامل اصلی شکل‌دهنده به زمینه‌گرایی در سبک‌های معماری ایران پس از اسلام چیست؟	شناسایی و واسازی مفهوم عوامل اصلی، فراتر رفتن از لیست‌های متعارف و آشکارسازی عوامل پنهان و به حاشیه رانده شده در هر سبک.	آیا عوامل اصلی همواره ثابت و جهان‌شمول بوده‌اند یا در هر دوره تاریخی و تحت تأثیر گفتمان غالب، بازتعریف شده‌اند؟ تقابل میان عوامل کالبدی/ غیرکالبدی و اولویت‌بندی آن‌ها.
۲. عوامل جهت‌دهنده به هر یک از سبک‌های معماری ایران پس از اسلام چه مواردی است؟	تحلیل انتقادی نیروها و گفتمان‌های هم بسته فرامعماری (اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، فناورانه، مذهبی) شکل‌دهنده به ویژگی‌های متمایز هر سبک معماری و تأثیر آن‌ها بر تفسیر و تجلی زمینه.	رابطه میان سبک به‌عنوان یک برساخت تاریخی و زمینه به‌عنوان یک مفهوم پویا. آیا سبک‌ها صرفاً بازتاب‌دهنده زمینه بوده‌اند یا خود در شکل‌دهی به درک ما از زمینه نقش داشته‌اند؟
۳. عوامل جهت‌دهنده به عوامل اصلی زمینه‌گرایی در هر یک از سبک‌های معماری پس از اسلام، چگونه بر شیوه‌های زمینه‌گرایی در آن سبک‌ها تأثیر گذاشته‌اند؟	بررسی دیالکتیک میان عوامل فرعی (جهت‌دهنده) و عوامل اصلی زمینه‌گرایی (مانند اقلیم، مصالح، فرهنگ بومی)، نشان دادن اینکه چگونه این تعاملات منجر به شیوه‌های متنوع و گاه متناقض زمینه‌گرایی در هر سبک شده و چگونه سلسله‌مراتب قدرت در این تأثیرگذاری نقش داشته‌اند.	پیچیدگی روابط علی و معلولی، نفی روابط خطی و تک‌سویه، بررسی اینکه چگونه برخی شیوه‌های زمینه‌گرایی به‌عنوان اصیل یا مطلوب برساخته شده و شیوه‌های دیگر به حاشیه رانده شده‌اند.

۲. پیشینه پژوهش

مفهوم زمینه‌گرایی در معماری، اگرچه در دهه‌های اخیر به‌طور فزاینده‌ای مورد توجه قرار گرفته است، اما ریشه‌های آن را می‌توان در مباحث نظری معماری از ویتروویوس تا نظریه‌پردازان مدرن و پست‌مدرن جستجو کرد. ویتروویوس، معمار رومی سده اول پیش از میلاد، در کتاب «در باب معماری»^۵ سه اصل اساسی برای معماری خوب را معرفی کرد: استحکام^۶، کارایی، و زیبایی. او بر اهمیت توجه به اقلیم، مصالح بومی و آداب و رسوم محلی تأکید داشت، که می‌توان آن را پیش‌درآمدی بر مفهوم زمینه‌گرایی دانست (Vitruvius 2019). با این حال، در تحلیل‌های معاصر، نقدهایی بر عدم توجه ویتروویوس به چگونگی تفسیر مفاهیمی مانند «سودمندی» و «زیبایی» در بسترهای مختلف قدرت و ایدئولوژی وارد شده است. برخی پژوهشگران معتقدند که این مفاهیم به‌صورت عام و بدون در نظر گرفتن زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی تعریف شده‌اند، که می‌تواند منجر به نادیده گرفتن تفاوت‌های فرهنگی و تأثیرات قدرت در تعریف این مفاهیم شود (Ochshorn 2021).

در دوران مدرن، با وجود گرایش به جهان‌شمولی و استانداردسازی، برخی معماران مانند فرانک لوید رایت با مفهوم «معماری ارگانیک» خود، بر پیوند عمیق بنا با سایت و زمینه طبیعی و فرهنگی آن اصرار ورزیدند. رایت معتقد بود که فرم و عملکرد باید یکی باشند و ساختمان‌ها باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که گویی از دل طبیعت و بستر خود رشد کرده‌اند (Wright and Saint 2017). او در طراحی خانه‌هایی مانند «خانه آبشار»^۸ در پنسیلوانیا، با استفاده از مصالح محلی مانند ماسه‌سنگ و بتن تقویت‌شده و با قرار دادن ساختمان بر فراز آبشار، نمونه‌ای بارز از ادغام معماری با

طبیعت را ارائه داد (Fallingwater 2025). رایت همچنین در طراحی‌های خود به اصولی مانند سادگی، استفاده از فضاهای باز و احترام به ویژگی‌های ذاتی مصالح توجه ویژه‌ای داشت (Graff 2018). با این حال، برخی منتقدان معتقدند که رایت تمایل به رمانتیسز کردن مفهوم «طبیعت» و «بومی بودن» داشت، بدون آن‌که به واسازی این مفاهیم و در نظر گرفتن ابعاد اجتماعی و سیاسی آن‌ها بپردازد. به‌عنوان مثال، در فاصله زمانی ۱۵ سال بعد از ساخت خانه آبشار، در مقاله‌ای در مجله آتلانتیک، اشاره شده است که رایت با وجود تأکید بر معماری ارگانیک، از درک عمیق‌تر تحولات علمی و اجتماعی زمان خود بازمانده بود و به تفسیرهای شاعرانه و رمانتیک از طبیعت و جامعه بسنده می‌کرد (Bush-Brown 1959).

با ظهور پست‌مدرنیسم و نقد آن بر بیگانگی معماری مدرن از تاریخ و فرهنگ، زمینه‌گرایی به یکی از محورهای اصلی مباحث نظری و عملی معماری تبدیل شد. نظریه‌پردازانی چون کریستین نوربرگ شولتز با مفهوم «روح مکان» به ابعاد پدیدارشناسانه و وجودی زمینه پرداختند (Norberg-Schulz 1979, 5). نظریه‌پرداز نروژی، با معرفی مفهوم روح مکان، بر اهمیت تجربه پدیدارشناسانه و وجودی انسان از محیط تأکید کرد. او معتقد بود که معماری باید با درک عمیق از ویژگی‌های طبیعی و فرهنگی مکان، فضاهایی معنادار برای سکونت انسان ایجاد کند.

با این حال، برخی منتقدان بر این باورند که تمرکز نوربرگ شولتز بر تجربه فردی و پدیدارشناسانه ممکن است از نقش ساختارهای اجتماعی و گفتمانی در شکل‌دهی به «روح مکان» غافل بماند. الی حداد در مقاله‌ای تحلیلی به این نکته اشاره می‌کند که نوربرگ-شولتز در آثار خود به‌طور کامل به تأثیر فرهنگ، سیاست و قدرت در شکل‌گیری مکان

و اجتماعی خود ارائه داده است (رستمی و پیری‌زاده ۱۳۹۳، ۳). با این حال، مطالعات مدون و نظری در باب زمینه‌گرایی در معماری ایران، به ویژه با رویکردهای نوین تحلیلی، نسبتاً جدیدتر هستند. بسیاری از پژوهش‌های انجام شده در این حوزه به توصیف و تحلیل ویژگی‌های کالبدی و تاریخی معماری ایران در ارتباط با زمینه پرداخته‌اند، اما کمتر به لایه‌های مفهومی و گفتمانی زمینه ورود کرده‌اند (قنبری و منصور ۱۳۹۶، ۴۰).

نمی‌پردازد و بیشتر بر ابعاد شاعرانه و هستی‌شناسانه تأکید دارد (Haddad 2010, 12). کنت فرامپتون نیز با طرح مفهوم «منطقه‌گرایی انتقادی»^۹ به دنبال راهی برای مقاومت در برابر همسان‌سازی فرهنگ جهانی از طریق بازتفسیر خلاقانه عناصر بومی و منطقه‌ای بود (Frampton 1993, 16-30). در ایران، توجه به زمینه در معماری سنتی امری بدیهی و ذاتی بوده است. معماری ایرانی در طول تاریخ، پاسخی هوشمندانه به محدودیت‌ها و امکانات زمینه اقلیمی، فرهنگی،

جدول ۲. مقایسه مفهومی زمینه‌گرایی و شکاف‌های مرتبط (مأخذ: سادات، ضرغامی و خاکی ۱۳۹۴؛ Vitruvius 2019; Frampton 1993; Wright and Saint 2017; Ackaouy 2020; Bush-Brown 1959)

نظریه پرداز / رویکرد	مفهوم کلیدی	ابزارهای اجرا کننده	شکاف شناسایی شده در ارتباط با پژوهش حاضر
ویتروویوس	(استواری، سودمندی، زیبایی)، توجه به اقلیم و مصالح	عملکرد، ساخت، و زیبایی‌شناسی در هماهنگی با زمینه طبیعی و فرهنگی	عدم تحلیل انتقادی از چگونگی تفسیر سودمندی یا زیبایی در بسترهای مختلف قدرت و ایدئولوژی
فرانک لوید رایت	معماری ارگانیک	پیوند بنا با سایت و زمینه طبیعی و فرهنگی	تأمیل به رمانتیسز کردن مفهوم طبیعت و بومی بودن بدون واسازی این مفاهیم و در نظر گرفتن ابعاد اجتماعی و سیاسی آن‌ها
کریستین نوربرگ شولتز	روح مکان	ابعاد پدیدارشناسانه و وجودی زمینه	تمرکز بر تجربه فردی و پدیدارشناسانه ممکن است از نقش ساختارهای اجتماعی و گفتمانی در شکل‌دهی به روح مکان غافل بماند.
کنت فرامپتون	منطقه‌گرایی انتقادی	مقاومت در برابر همسان‌سازی با بازتفسیر عناصر بومی	هرچند انتقادی است، اما ممکن است به اندازه کافی به واسازی خود مفهوم منطقه یا بومی و اینکه چه کسی این مفاهیم را تعریف و کنترل می‌کند، نپردازد.
مطالعات اخیر در ایران (عمومی)	پایداری، هویت، الگوهای سنتی	انطباق با اقلیم، فرهنگ و تاریخ در معماری معاصر	عمدتاً رویکردهای توصیفی یا تجویزی دارند و کمتر به تحلیل واسازانه از مفاهیم پایداری، هویت یا سنت و چگونگی برپا شدن آن‌ها در گفتمان‌های مختلف می‌پردازند.

به پاسخ‌های معماری به اقلیم نادیده بگیرد. دسته سوم، پژوهش‌های متأخرتری هستند که با رویکردهای نظری‌تر به مفهوم زمینه‌گرایی پرداخته و تلاش کرده‌اند تا چارچوب‌های تحلیلی جدیدی ارائه دهند. برخی از این مطالعات به تأثیر جهانی شدن و چالش‌های هویت در معماری معاصر ایران و نسبت آن با زمینه‌گرایی توجه کرده‌اند. برای نمونه، (منصوری و دیگران ۱۳۹۹)؛ یا (بلندیان و ناصری ۱۳۹۳). این پژوهش‌ها اغلب بر اهمیت بازتفسیر سنت و ایجاد پیوند میان گذشته و حال تأکید دارند. با این حال، بسیاری از این تحقیقات نیز از به‌کارگیری رویکردهای انتقادی رادیکال‌تر مانند واسازی، که می‌تواند به چالش کشیدن پیش‌فرض‌های بنیادین و ساختارهای قدرت پنهان در گفتمان زمینه‌گرایی کمک کند، غفلت ورزیده‌اند. به‌عنوان مثال، مفهوم سنت خود یک برساخت است که در دوره‌های مختلف و توسط گروه‌های مختلف به اشکال متفاوتی تفسیر و بازنمایی شده است.

دسته چهارم، پژوهش‌هایی همچون (فرهنگدوست، فرکیش، و حنایی ۱۴۰۱)، (نقره‌کار ۱۴۰۰ الف) و (نقره‌کار

ادبیات موجود در حوزه زمینه‌گرایی در معماری ایران پس از اسلام را می‌توان به چند دسته کلی تقسیم کرد؛ دسته اول، پژوهش‌هایی هستند که به توصیف و تحلیل تاریخی سبک‌های معماری ایران پرداخته و به طور ضمنی به برخی از جنبه‌های زمینه‌گرایی در هر دوره اشاره کرده‌اند؛ مانند آثار (پیرنیا و معاریان ۱۳۹۷؛ کیانی ۱۴۰۲). این آثار اگرچه اطلاعات ارزشمندی در مورد ویژگی‌های کالبدی و تاریخی بناها ارائه می‌دهند، اما کمتر به تحلیل انتقادی و نظریه‌پردازی در مورد مفهوم زمینه‌گرایی و تحولات آن پرداخته‌اند.

دسته دوم، شامل مطالعاتی است که به طور خاص بر روی یکی از عوامل زمینه (مانند اقلیم، مصالح بومی، فرهنگ) و تأثیر آن بر معماری ایران تمرکز کرده‌اند. مثلاً (کسمائی ۱۳۹۲) در باب اقلیم یا (قبادیان ۱۴۰۱) در مورد الگوهای معماری بومی. این پژوهش‌ها به درک عمیق‌تر از جنبه‌های خاصی از زمینه‌گرایی کمک می‌کنند؛ اما اغلب از ارائه یک تصویر جامع و یکپارچه از تعامل پیچیده عوامل مختلف باز می‌مانند. به‌عنوان مثال، پژوهشی که صرفاً بر تأثیر اقلیم تمرکز دارد، ممکن است نقش عوامل اجتماعی یا اقتصادی را در شکل‌دهی

ابزاری شناختی دید و با ابزارهای هم‌رده خود بررسی و مقایسه کرد. حتی با قبول چنین امری واسازی نقشی کلیدی، قابل درک و مهم برای عبور از فهم غالب به سوی واقع‌گرایی در مداخلات محیطی دارد.

در حوزه نظریه واسازی و کاربرد آن در معماری، آثار متفکرانی چون ژاک دریدا (Derrida 1998)، پیتر آیزنمن (Eisenman 2018) و برنارد چومی (Tschumi 1996)، نظریات هسته و مرجع اصلی محسوب می‌شوند. این نظریات بر نفی مرکزیت، تأکید بر تفاوت و تعویق معنا و به چالش کشیدن تقابل‌های دوگانه استوار هستند. در معماری ایران، تلاش‌هایی پراکنده برای استفاده از این رویکردها در نقد و تحلیل معماری صورت گرفته است؛ مثلاً (بانی‌مسعود ۱۴۰۰). اما پژوهشی جامع که به طور خاص به واسازی مفهوم زمینه‌گرایی در بستر تاریخی سبک‌های معماری ایران پس از اسلام پردازد، کمتر به چشم می‌خورد.

یک پژوهش اخیر توسط رحیمی به بررسی انتقادی مفهوم زمینه در پروژه‌های بازآفرینی شهری با استفاده از برخی مفاهیم دریدایی پرداخته است، اما دامنه آن به معماری تاریخی و سبک‌شناسی گسترش نیافته است (رحیمی ۱۴۰۰). همچنین، کتاب پرسش‌های ادراک: پدیدارشناسی معماری، به خوبی به مبانی نظری تقابل‌های دوگانه در شکل‌دهی به فهم از زمینه و لزوم بازنگری در آن‌ها اشاره دارد، اما تحلیل مصداقی آن در معماری تاریخی ایران کمتر است (هال، پالاسما، و گومز ۱۳۹۵). پژوهش‌های دیگری همچون (ندیمی، ابویی، و مرادی ۱۳۹۸) نیز وجود دارند که واسازی را، ابزاری انتقادی برای گسترش مفهوم سبک و بازشناسی مفاهیمی همچون زمینه و بستر می‌دانند. این پژوهش‌ها، نقش واسازی را در حد یک روش پژوهشی هم نمی‌دانند و آن را ابزاری محدود برای کاربردهای تعریف شده می‌دانند، نه حتی ابزاری در حد رویه‌سازی انتقادی!

۱۴۰۰) هستند که مبانی نظری را، عاملی واسط و میانجی، از جنبه محتوایی و مفهومی بین زمینه و مداخلات معماری و شهرسازی میدانند. به صورتی که مهمترین رسالت مبانی نظری را به‌عنوان یک امر مرسوم و تعریف شده، دارای درجاتی از زمینه‌گرایی در انواع مختلفی از مبانی نظری همچون الگوها، مکاتب، نظریه‌ها، روال‌ها، راهبردها، و مواردی از این دست می‌دانند. بر همین اساس، عوامل دخیل در این نقش واسط و میانجی را با تفکر سیستمی و سامانه‌پندار، مورد شناسایی و همبستگی‌یابی قرار داده‌اند (نقره‌کار و نقره‌کار ۱۴۰۳). به موجب همین نقش گسترده مبانی نظری، ایشان معتقدند همه آنچه مربوط به زمینه‌گرایی یا هر رویه دیگری در معماری و شهرسازی داشته باشیم، یا عیناً مبانی نظری است یا دارای بازخوردهایی در مبانی نظری است یا دارای عواملی در مبانی نظری است یا برای تعریف وجودی و شناسایی عوامل سازنده‌اش، از انواع مبانی نظری بهره می‌گیرد. به صورتی که هر گونه تعریف، اصلاح یا گسترشی در آن رویه‌ها، باید در فضای مبانی نظری بررسی یا نمود پیدا کند.

چنین دیدگاهی، شناخت زمینه و شکل‌گیری زمینه‌گرایی را، از منظر و از عینک مبانی نظری می‌نگرد؛ به صورتی که معتقد است که با شناخت نظری، می‌توان ماهیت و عوامل آن را به گونه‌ای شناخت که علاوه بر سیر تحول‌شناسی آن، به صورت مستقیم و برای ایجاد تغییرات مطلوب در آن، با مداخله‌گری در مبانی نظری و تغییر در ترکیب عوامل نظری سازنده آن، این تغییرات را حاصل کرد. به بیان دیگر، ایشان بیان می‌کنند که مبانی نظری، محل کانونی برای ایجاد انواع تغییرات در رویه‌ها، مفاهیم، نظریات، و مواردی از این دست است.

در نتیجه واسازی را از جمله روش‌های شناختی و به‌عنوان ابزاری برای ایجاد فهم از ماهیت پدیده‌ها می‌دانند که جایگاه و توانایی برای اعمال تغییرات در امور، در سطح مبانی نظری ندارد. ایشان معتقدند که واسازی را باید به‌عنوان

جدول ۳. مقایسه گفتمانی زمینه‌گرایی و جایگاه پژوهش حاضر

رویکرد/نظریه	معنی زمینه‌گرایی	نقاط قوت	نقاط ضعف	جایگاه پژوهش حاضر
تاریخ‌نگاری سنتی معماری ایران (مانند پیرنیا)	توصیف سبک‌ها، عناصر کالبدی، گاه‌نگاری	ارائه داده‌های پایه تاریخی و سبکی	فقدان تحلیل انتقادی عمیق از مفهوم زمینه، ذات‌گرایی، عدم توجه به گفتمان‌ها و روابط قدرت	استفاده از داده‌های تاریخی به‌عنوان متن برای واسازی، اما فراتر رفتن از توصیف صرف و به چالش کشیدن روایت‌های مسلط
زمینه‌گرایی اقلیمی / بوم‌گرا (مانند کسمایی، قبادیان)	تأکید بر عوامل طبیعی، مصالح بومی، راه‌حل‌های سنتی برای تطابق با محیط	توجه به پایداری، حکمت نهفته در معماری سنتی	تقلیل زمینه به عوامل محیطی، نادیده گرفتن پیچیدگی‌های فرهنگی-اجتماعی، گاه رویکرد تجویزی و تقلیدی	در نظر گرفتن این عوامل به‌عنوان بخشی از شبکه پیچیده عوامل، اما واسازی مفهوم بومی و طبیعی و بررسی برساخته بودن آن‌ها
زمینه‌گرایی فرهنگی / هویتی (مانند منصوری و بلندیان)	تلاش برای احیای هویت، پیوند با گذشته، پاسخ به بحران‌های مدرنیته و جهانی شدن	تأکید بر اهمیت فرهنگ و تاریخ در شکل‌دهی به معماری معنادار	خطر ذات (بنیاد) گرایی ^{۱۰} فرهنگی، احتمال بازتولید کلیشه‌ها، گاه عدم ارائه راهکار عملی فراتر از ارجاعات فرمی، عدم واسازی مفهوم هویت و سنت	تحلیل انتقادی مفهوم هویت و سنت به مثابه برساخت‌های گفتمانی، بررسی چگونگی تغییر این مفاهیم در دوره‌های مختلف و تأثیر آن بر زمینه‌گرایی

رویکرد/نظریه	معنی زمینه‌گرایی	نقاط قوت	نقاط ضعف	جایگاه پژوهش حاضر
مبانی نظری و سامانه پنداری زمینه‌گرایی (مانند فرهنگدوست و نقره‌کار)	همبستگی یابی عوامل نظری سازنده رویه‌های بسترگرایی	حساسیت به روابط نابرابر، به چالش کشیدن روایت‌های غیربومی، توجه به دیگری	در معماری ایران کمتر به طور مستقیم و جامع در تحلیل تاریخی زمینه‌گرایی به کار رفته است.	الهام‌گیری از این رویکردها برای تحلیل نقش عوامل فرامعماری در شکل‌دهی به فهم و تجلی زمینه‌گرایی در سبک‌های مختلف معماری ایران پس از اسلام
معماری واساز (آیزمن و چومی)	نقد متافیزیک حضور، به چالش کشیدن تقابل‌های دوگانه، تأکید بر ناپایداری معنا در معماری	ایجاد فضاهای چالش‌برانگیز، بازاندیشی در اصول بنیادین معماری	اغلب در آثار معاصر و با تمرکز بر فرم، کمتر به تحلیل تاریخی و زمینه‌های فرهنگی-اجتماعی گسترده پرداخته است (به ویژه در زمینه ایران)	به کارگیری روش واسازی برای تحلیل مفهوم زمینه‌گرایی در بستر تاریخی و فرهنگی ایران، نه صرفاً تقلید از فرم‌های معماری واساز

و رابطه‌یابی عوامل فعال و باز نمود آن در سبک‌های معماری به دنبال آشکارسازی آن چیزی است که در سایه روایت‌های مسلط از تاریخ معماری ایران پنهان مانده است. این پژوهش با قرار دادن خود در تلاقی این حوزه‌ها و با استفاده از ابزار واسازی، به دنبال ارائه خوانشی نوین از شیوه‌های زمینه‌گرایی در سبک‌های معماری ایران پس از اسلام است که هم به پیچیدگی‌های تاریخی و فرهنگی توجه دارد و هم از منظر انتقادی به تحلیل مفاهیم بنیادین می‌پردازد.

۳. روش تحقیق

پژوهش حاضر از روش تحقیق کیفی از نوع واسازی^{۱۱} بهره می‌برد. این روش، که ریشه در اندیشه‌های فیلسوف فرانسوی، ژاک دریدا دارد، به دنبال فراتر رفتن از معنای ظاهری و سطحی متون و آشکارسازی ساختارهای پنهان، تناقض‌ها و سلسله‌مراتب ارزشی در آن‌هاست (Derrida 1998). در این پژوهش، متن نه تنها شامل منابع نوشتاری (کتاب‌ها، مقالات، اسناد تاریخی) بلکه شامل خود آثار معماری به مثابه متونی قابل خوانش و تفسیر نیز می‌شود. فرایند کلی پژوهشی در این روش شامل خواندن، شناخت، تفسیر، و تعیین عناصر و مفاهیم کلیدی و غیرکلیدی^{۱۲} در متون موجود برای دستیابی به آنچه متن واقعاً می‌گوید، به جای بسنده کردن به آنچه نویسنده قصد داشته بگوید، از طریق از هم گشودن و باز کردن و شکستن و بازسازی و ترکیب‌سازی دوباره مفاهیم است. رویکرد کلی این روش تحقیق، طبق تفکر ژاک دریدا، شامل موارد زیر خواهد بود که در تحلیل زمینه‌گرایی معماری ایران پس از اسلام به کار گرفته می‌شوند (میرعبدالعظیم‌زاده میرمبینی و دیگران ۱۳۹۵؛ کاظمی و حسین‌زاده ۱۳۹۶):

- استفاده از زبانی منطقی و پیراسته از آرایه‌های ادبی در تحلیل، ضمن توجه به ماهیت تفسیری و انتقادی پژوهش.
- اتخاذ رویکردی نقادانه و ارائه تفسیری انتقادی و توسعه‌دهنده از تفاسیر هرمونوتیکی پیشین از زمینه‌گرایی، با تأکید بر بررسی انواع جنبه‌های تأثیرگذاری عوامل (به ویژه هم‌بسته‌های فرامعماری) بر موضوع مورد پژوهش.

با وجود غنای ادبیات موجود در حوزه تاریخ معماری ایران و مباحث کلی زمینه‌گرایی، شکاف علمی اصلی در عدم وجود یک تحلیل انتقادی و واسازانه از خود مفهوم زمینه و دگرگونی‌های آن در بستر سبک‌ها و گفتمان‌های تاریخی ایران پس از اسلام است. مفهوم این شکاف این است که اغلب پژوهش‌ها:

- نگاهی ایستا و ذات‌گرایانه به زمینه دارند: زمینه را مجموعه‌ای از عوامل ثابت و از پیش تعیین شده در نظر می‌گیرند و به پویایی و به چگونگی برساخته شدن معنای آن در بستر گفتمان‌های مختلف تاریخی و فرهنگی نمی‌پردازند (ناری قمی ۱۳۹۶). رویکرد واسازی می‌تواند این پیش‌فرض‌ها را به چالش کشیده و به درک عمیق‌تری از پویایی مفهوم زمینه کمک کند (بامشکی و پارسا ۱۳۹۴).
 - از تحلیل روابط قدرت غفلت می‌ورزند: به این مسئله نمی‌پردازند که چگونه عوامل غیرکالبدی مانند ساختارهای قدرت، نظام‌های اقتصادی و ایدئولوژی‌های حاکم در هر دوره، در تعریف، تفسیر و اولویت‌بندی عوامل زمینه و در نتیجه در شکل‌دهی به شیوه‌های زمینه‌گرایی نقش داشته‌اند (فیضی و صادقی ۱۴۰۲؛ خرسند و سبک‌رو ۱۴۰۲).
 - در دام تقابل‌های دوگانه گرفتار می‌شوند: مفاهیمی چون سنت/مدرنیته، بومی/غیربومی، درون/برون را به عنوان قطب‌های متضاد و ثابت در نظر می‌گیرند و به امکان فراتر رفتن از این دوگانگی‌ها و یا ناپایداری آن‌ها کمتر می‌پردازند (شاهد و شاه‌رودی ۱۳۹۷؛ سیدین ۱۴۰۱).
 - فاقد چارچوب تحلیلی جامع برای مقایسه و تبیین تغییرات هستند: اگرچه به توصیف تغییرات در سبک‌ها می‌پردازند، اما ابزار مفهومی دقیقی برای تحلیل چگونگی تغییر در تعداد عوامل و حجم کمی و محتوای کیفی روابط بین عوامل تشکیل‌دهنده زمینه‌گرایی ارائه نمی‌دهند (کاشانی‌نسب ۱۴۰۲؛ نیکنام ۱۳۹۶).
- پژوهش حاضر در تلاش است تا با به کارگیری روش واسازی، این شکاف‌ها را پر کرده و به درکی عمیق‌تر، انتقادی‌تر، و چندلایه‌تر از مفهوم زمینه‌گرایی در معماری ایران پس از اسلام دست یابد. این پژوهش با تمرکز بر ترکیب‌شناسی

جدید یا ایجاد معنا بر اساس متن زمینه یا مکمل (هم‌بسته‌های فرامعماری).

تحلیل داده‌ها بر اساس اصول روش واسازی و طی مراحل کدگذاری اولیه، توصیفی و تفسیری صورت خواهد گرفت. این فرایند به دنبال شناسایی دال‌ها و مدلول‌های کلیدی مرتبط با مفهوم زمینه‌گرایی در هر سبک، بررسی چگونگی تغییر این دال‌ها و مدلول‌ها، آشکارسازی تناقض‌ها و سلسله‌مراتب پنهان و در نهایت، بازخوانی و تفسیر انتقادی مفهوم زمینه‌گرایی خواهد بود. فرایند این پژوهش واسازانه شامل مراحل چهارده‌گانه زیر خواهد بود که هر یک با رویکردی انتقادی و تفسیری و با هدف دستیابی به اهداف پژوهش و پاسخ به سوالات آن انجام می‌شود:

- انحصار واقعیت در زبان یا متن به این معنا که درک ما از زمینه همواره از طریق گفتمان‌ها و متون (معماری، تاریخی، نظری) واسطه‌گری می‌شود و واقعیتی خارج از این چارچوب‌های تفسیری برای ما قابل دسترس نیست.
- تأکید بر تفاوت‌ها و نشان دادن شکاف‌ها و تناقضات مفهومی در تعاریف و تفاسیر موجود از زمینه‌گرایی در سبک‌های مختلف معماری ایران.
- لزوم کنار گذاشتن تمامی انگاره‌های فلسفی و پیش‌فرض‌های رایج در مواجهه با متون معماری و تاریخی، از طریق بی‌اثرسازی مفروضات همیشگی، اصول ثابت و معنای غالب در مورد زمینه‌گرایی، برای آشکار شدن وجه دیگر آن.
- تحلیل معنی‌زدایی از متن (آثار معماری و متون نظری) و آشکارسازی ظرفیت درونی متن برای تولید معانی

جدول ۴. خلاصه مراحل پژوهش واسازانه و ابزارهای مورد استفاده (مأخذ: قاسمی و دیگران ۱۴۰۲، ۵۲۱-۵۲۶)

مرحله پژوهش	ابزارها و تکنیک‌های اصلی واسازی	خروجی مورد انتظار
۱. طراحی پژوهش	تحلیل انتقادی ادبیات، شناسایی تقابل‌های اولیه، فرمول‌بندی سوالات از منظر واسازی	تعریف دقیق مسئله، اهداف و سوالات با رویکرد واسازانه
۲. نمونه‌گیری	انتخاب هدف‌مند متون و بناها بر اساس پتانسیل واسازی، توجه به موارد حاشیه‌ای و متناقض	مجموعه‌ای از منابع و موارد مطالعاتی که امکان تحلیل عمیق و چندلایه را فراهم می‌کنند.
۳. جمع‌آوری داده‌ها	فیش‌برداری انتقادی، یادداشت‌برداری از ردپاها، شکاف‌ها و آپوری‌ها، کدگذاری باز اولیه	داده‌های خام آماده برای تحلیل (برگه‌های کدگذاری شده)
۴. آشنایی با داده‌ها	بازخوانی مکرر، حاشیه‌نویسی، غوطه‌وری در متن	درک عمیق اولیه از داده‌ها و شناسایی الگوهای احتمالی
۵. کدیابی اولیه	شناسایی دال‌ها و مدلول‌های کلیدی، برچسب‌گذاری اولیه	لیستی از کدهای اولیه مرتبط با عوامل و شیوه‌های زمینه‌گرایی
۶. کدگذاری توصیفی	توسعه کدها، شناسایی ویژگی‌ها و روابط اولیه، توجه به نهادهای سازنده معنا	مجموعه‌ای از کدهای توصیفی سازمان‌یافته که ابعاد مختلف مسئله را پوشش می‌دهند
۷. جستجو برای تم‌ها	گروه‌بندی کدها، تحلیل انتقادی مراکز معنایی، شناسایی سلسله‌مراتب و به حاشیه رانده‌شدگی‌ها	تم‌های اولیه که نشان‌دهنده ساختارهای معنایی غالب و مغلوب هستند
۸. بازنگری تم‌ها	بررسی انسجام و تمایز تم‌ها، جستجوی موارد متناقض و استثناءها، به چالش کشیدن مراکز تم‌ها	تم‌های پالایش‌شده و دقیق‌تر که پیچیدگی مسئله را بهتر بازتاب می‌دهند
۹. تعریف و نام‌گذاری تم‌ها	ارائه تعریف دقیق و نام‌گذاری انتقادی برای هر تم، کدگذاری تفسیری نهایی	مجموعه‌ای از تم‌های نهایی با تعاریف روشن و عناوین گویا
۱۰. ایجاد اشباع نظری	تکرار تحلیل تا عدم ظهور تم‌های جدید، پوشش کامل سوالات پژوهش از منظر فرهنگی و تاریخی	اطمینان از جامعیت و عمق تحلیل‌ها، دستیابی به تفسیرهای غنی
۱۱. تحلیل داده‌ها	ترسیم و تحلیل شبکه مضامین، تقلیل و یکپارچه‌سازی متن واسازی تقابل‌های دوگانه کلیدی	ارائه یافته‌های اصلی پژوهش، آشکارسازی ساختارهای پنهان و معانی چندگانه
۱۲. توسعه تحلیل	خوانش انتقادی مفروضات، مرکززدایی، افشای نقش قدرت و ایدئولوژی	عمق‌بخشی به یافته‌ها، تبیین ریشه‌های گفتمانی و تاریخی مفاهیم
۱۳. بحث	جمع‌بندی یافته‌ها، تفسیر مفاهیم نوپدید، ارائه ادبیات غیرخنثی برای مداخله	تبیین اهمیت یافته‌ها و ارائه چارچوبی برای کاربرد آن‌ها
۱۴. نتیجه‌گیری	ارائه پیشنهادات کاربردی برای معماری و شهرسازی	ارائه راه‌کارهایی برای بهره‌گیری از نتایج پژوهش در عمل

و محیط پیرامون آن تأکید دارد. این ارتباط علاوه بر آنکه شامل جنبه‌های کالبدی و بصری می‌شود، بلکه ابعاد تاریخی، فرهنگی، اجتماعی، و اقلیمی را نیز در بر می‌گیرد. به طور

۴. مبانی نظری

زمینه‌گرایی در معماری و شهرسازی، رویکردی است که بر اهمیت ارتباط و هماهنگی بین بنا یا طرح شهری



نحوه زندگی روزمره استفاده کنندگان از ساختمان در تعیین فرم آن نقش اساسی دارند (مرید صداقت و احمري ۱۳۹۳). زمینه‌گرایی در مقیاس کلان به مفهوم منطقه‌گرایی نزدیک می‌شود و در مقیاس خرد بر حال و هوای درونی بنا تأثیر می‌گذارد (عاکف و نوری ۱۳۹۴).

نظریه‌های مختلفی در مورد زمینه‌گرایی مطرح شده‌اند. برخی از این نظریات بر اهمیت تقلید از ویژگی‌های طبیعی و کالبدی موجود در سایت تأکید دارند (Mackay-Lyons 2014, 40_45). برخی دیگر بر نقش عوامل فرهنگی، اجتماعی، و تاریخی در شکل‌گیری معماری زمینه‌گرا تمرکز می‌کنند (Rossi 1984, 125_133). همچنین، دیدگاه‌هایی وجود دارند که زمینه را به‌عنوان یک رویداد تاریخی می‌دانند که عناصر شهری درون آن ساخته و شناخته می‌شوند و بر احترام به زمینه‌های تاریخی و اجتماعی تأکید دارند (Giedion 2009, 240_255). به طور کلی، زمینه‌گرایی در معماری تلاشی است برای ایجاد تعادل بین نوآوری و حفظ هویت و اصالت مکان، با توجه به تمامی ابعاد و ویژگی‌های زمینه (Alexander 2002, 10_20).

کلی، زمینه‌گرایی به دنبال سازگاری با بسترهای کالبدی، تاریخی، اجتماعی، و فرهنگی است. این مفهوم در طول تاریخ معماری همواره به صورت آگاهانه یا ناخودآگاه مورد توجه معماران بوده است (هاتفی و فرحی‌نیا ۱۳۹۳). با ظهور معماری مدرن و تأکید آن بر اصول جهان‌شمول و نادیده گرفتن زمینه‌های محلی، رویکرد زمینه‌گرایی به‌عنوان واکنشی در برابر این جریان شکل گرفت و در دوره پست مدرن به یک موضوع بحث برانگیز در میان اندیشمندان این حوزه تبدیل شد (محمدی و حسینی فیروزآبادی ۱۳۹۵).

زمینه در لغت به معنای مجموعه شرایط یا واقعیت‌هایی است که یک موقعیت یا شرایط را در بر می‌گیرد. در معماری و شهرسازی، منظور از زمینه، همان متن، بستر و محیطی است که مداخلات محیطی در آن شکل می‌گیرد و هم محتوا و هم شکل را شامل می‌شود (تولایی ۱۳۸۰؛ ونتوری، اسکات‌براون، و آیزنور ۱۳۹۹). معماری زمینه‌گرا تلاشی است برای نشان دادن توان محیط مطلوب بصری در مقیاسی فراتر از خود معماری و بر ضرورت توجه به محیط کالبدی پیرامون اثر معماری تأکید می‌کند. از دیدگاه پست‌مدرن، ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی، تاریخی، اقتصادی، شهری، اقلیمی، و

جدول ۵. مقایسه بین نظریات مختلف زمینه‌گرایی در معماری و شهرسازی (مأخذ: شمس دهکردی، رئیسی دهکردی و صادقی، ۱۳۹۵؛ تولایی ۱۳۸۰؛ فرهنگدوست و فرکیش ۱۴۰۱؛ حسینی‌نسب ۱۳۹۷؛ برولین ۱۳۹۵؛ قلعه‌نویی ۱۴۰۱؛ رضوی‌نیا ۱۳۹۷؛ اکبری، بذرافکن، تهرانی، و سلطان‌زاده ۱۳۹۶)

نظریات	دیدگاه اصلی	نقاط قوت	نقاط ضعف
معماری زمینه‌گرا (Contextual) (Architecture)	تأکید بر هماهنگی ساختمان با محیط اطراف، احترام به بافت تاریخی و انعکاس میراث فرهنگی	ایجاد بناهایی هماهنگ با محیط، حفظ هویت فرهنگی و تاریخی	ممکن است منجر به تقلید صرف از گذشته شود، محدود کردن نوآوری
منطقه‌گرایی (Regionalism)	تأکید بر استفاده از مصالح بومی، توجه به شرایط اقلیمی و ویژگی‌های فرهنگی خاص یک منطقه	ایجاد بناهایی پایدار و متناسب با شرایط محیطی، تقویت هویت محلی	ممکن است در مناطق با منابع محدود، با چالش‌هایی روبرو شود
زمینه‌گرایی انتقادی (Critical Regionalism)	تلاش برای ایجاد تعادل بین تأثیرات جهانی و ویژگی‌های محلی، مقاومت در برابر یکسان‌سازی فرهنگی	ایجاد بناهایی مدرن با حفظ هویت منطقه‌ای، رویکردی انتقادی به مدرنیسم	ممکن است در عمل با چالش‌هایی در زمینه طراحی و اجرا روبرو شود
معماری بومی (Vernacular) (Architecture)	تأکید بر استفاده از دانش و تجربه بومی، استفاده از مصالح محلی و روش‌های ساخت سنتی	ایجاد بناهایی متناسب با شرایط محیطی و فرهنگی، استفاده از منابع محلی	ممکن است به دلیل تغییر نیازها و فناوری‌های ساخت، به طور کامل پاسخگوی نیازهای معاصر نباشد

یافت. به‌عنوان مثال، برخی از این منابع به نقش زمینه در طراحی بناهای میان‌افزا در بافت‌های تاریخی اشاره می‌کنند. همچنین، برخی دیگر به بررسی تطبیقی رویکرد زمینه‌گرایی در معماری معاصر ایران می‌پردازند. این نشان می‌دهد که موضوع زمینه‌گرایی همچنان یک دغدغه مهم در حوزه معماری و شهرسازی ایران است و پژوهش حاضر می‌تواند با ارائه یک تحلیل تاریخی و نظری جامع، به غنای این حوزه کمک کند.

بررسی منابع کتابخانه‌ای اخیر نشان می‌دهد که موضوع زمینه‌گرایی همچنان مورد توجه پژوهشگران قرار دارد (حسینی‌نسب ۱۳۹۷، ۴۵-۸۰). این منابع به ابعاد مختلف معماری و شهرسازی، از جمله مباحث نظری، طراحی، اجرا، و مقررات ملی ساختمان می‌پردازند. اگرچه ممکن است این منابع به طور مستقیم به تحلیل زمینه‌گرایی در تمامی سبک‌های معماری ایران پس از اسلام نپرداخته باشند، اما با بررسی آن‌ها می‌توان به دیدگاه‌های معاصر در مورد اهمیت زمینه، اصول طراحی زمینه‌گرا و چالش‌های مربوط به آن دست

۵. یافته‌ها

این بخش به تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده از متون نظری، تاریخی و معماری و همچنین تحلیل بناهای شاخص هر سبک معماری ایران پس از اسلام (خراسانی، رازی، آذری، اصفهانی، قاجار، و معاصر) با رویکرد واسازانه می‌پردازد. هدف اصلی، پاسخ به سوالات پژوهش از طریق شناسایی و ترکیب‌شناسی عوامل فعال در حوزه زمینه‌گرایی معماری ایران پس از اسلام، بررسی چگونگی تغییر این عوامل و روابط آن‌ها در طول زمان و بازنمود این تحولات در سبک‌های معماری هر دوران است. در این راستا، از تقابل‌های دوگانه به عنوان ابزاری برای آشکارسازی تناقض‌ها و معانی به حاشیه رانده شده استفاده می‌شود.

۱-۵. واسازی زمینه‌گرایی در سبک خراسانی (قرن ۱ تا ۵ ه.ق / سده‌های ۷ تا ۱۰ م.)

سبک خراسانی، که همزمان با صدر اسلام و حکومت‌های اولیه اسلامی (امویان و عباسیان) و نیز حکومت‌های طاهریان و صفاریان شکل گرفت، با ویژگی‌هایی همچون سادگی، عدم تزئینات زیاد، استفاده از مصالح بومی مانند خشت و آجر، طرح‌های مربع‌شکل و گنبدهای ساده شناخته می‌شود. در این دوره، زمینه‌گرایی در معماری بیشتر تحت تأثیر کارکردگرایی و پرهیز از تجمل، که از اصول اولیه اسلام نشأت می‌گرفت، شکل گرفت. استفاده از مصالح بومی و در دسترس مانند خشت و آجر، طرح‌های مربع‌شکل و گنبدهای ساده نه تنها به دلیل محدودیت‌های فنی و اقتصادی آن دوران بود،

بلکه نشان از هماهنگی با اقلیم گرم و خشک منطقه خراسان داشت. با وجود سادگی کلی، تأثیرات هنر ساسانی در برخی عناصر معماری مانند استفاده از طاق‌های بیضی‌شکل و قوس‌های نعل اسبی نیز قابل مشاهده است.

در این سبک، رابطه بین سادگی فرم و کارکرد مذهبی بناها (مساجد اولیه) بسیار مستقیم بود و تزئینات محدود، ساختار کلی بنا را تحت‌الشعاع قرار نمی‌داد. مسجد جامع فهرج و مسجد تاریخانه دامغان از نمونه‌های مهم این سبک به شمار می‌روند. طرح‌های اولیه مساجد در این دوره، مانند مسجد جامع فهرج، از طرح مسجدالنبی در مدینه الهام گرفته شده بود که خود نشان‌دهنده تأثیر زمینه مذهبی و فرهنگی در شکل‌گیری معماری اسلامی در ایران است.

• تجزیه و تحلیل داده‌ها و شناسایی عوامل (سهیلی و بحرالعلومی ۱۳۹۳):

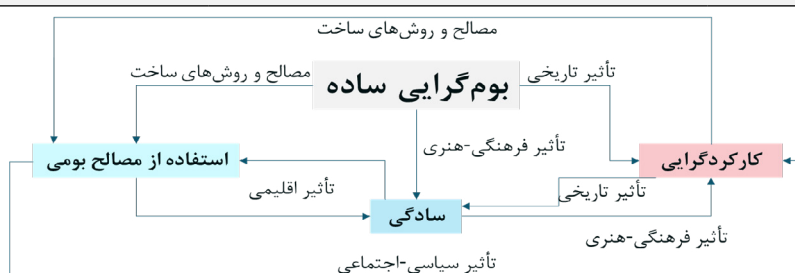
○ عوامل اصلی شکل‌دهنده به زمینه‌گرایی: سادگی و پرهیز از تفاخر (منبعث از آموزه‌های اولیه اسلامی)، کارکردگرایی (پاسخ به نیازهای عبادی و اجتماعی)، استفاده از مصالح بومی (خشت و آجر به دلیل سهولت دسترسی و دانش فنی موجود) و تأثیرپذیری از الگوهای معماری پیش از اسلام ایران (ساسانی) و بین‌النهرین.

○ عوامل جهت‌دهنده به عوامل اصلی: گسترش سریع اسلام و نیاز به ایجاد فضاهای عبادی جمعی (مساجد)، محدودیت‌های اقتصادی و فنی در دوران گذار و گفتمان زهد و تقوای حاکم بر بخش‌هایی از جامعه و حاکمیت اولیه اسلامی.

جدول ۶. ترکیب‌شناسی عوامل زمینه‌گرایی در سبک خراسانی

عامل زمینه‌گرا	حجم کمی	محتوای کیفی
تأثیر سیاسی-اجتماعی	متوسط (شکل‌گیری مساجد به عنوان مراکز اجتماعی)	تأکید بر فضاهای جمعی برای عبادت و تعامل
مصالح و روش‌های ساخت	بسیار زیاد (خشت و آجر)	هماهنگی با اقلیم، دسترسی آسان
تأثیر فرهنگی-هنری	بسیار زیاد (تأکید بر سادگی و کارکرد)	پرهیز از تجمل، توجه به نیازهای عبادی
تأثیر اقلیمی	زیاد (طرح‌های ساده، مصالح عایق حرارت)	پاسخ به گرمای شدید و کمبود باران
تأثیر تاریخی	کم (تأثیرات محدود هنر ساسانی)	حفظ برخی الگوهای ساختاری پیشین

شبکه ارتباط تم‌ها



نقش گفتمان دینی و سیاسی را در شکل‌دهی به این سادگی و عملکردگرایی نادیده می‌گیرد.

۵-۲. واسازی زمینه‌گرایی در سبک رازی (قرن ۴ تا ۵ ه.ق. / سده‌های ۱۰ تا ۱۳ م.)

سبک رازی، که در دوره حکومت‌های آل بویه، سلجوقیان، و خوارزمشاهیان شکوفا شد، با تلفیق معماری خراسانی با عناصر جدید، استفاده از آجرکاری‌های پیچیده و گچبری‌های ظریف، احداث گنبد‌های دوپوسته و ایوان‌های بلند مشخص می‌شود. در این دوره، با گسترش شهرنشینی و افزایش نیاز به بناهای متنوع با کارکردهای مختلف (مانند کاروانسراها، مدارس، مقبره‌ها)، زمینه‌گرایی ابعاد جدیدی یافت. توسعه تکنیک‌های ساخت و استفاده از مصالح مرغوب‌تر و تزئینات بیشتر، نشان از تعامل عمیق‌تر با زمینه‌های کالبدی و فرهنگی داشت. سبک رازی در واقع تلفیقی از ویژگی‌های سبک‌های پارسی، پارتی، و خراسانی بود و از این رو، پیوند عمیقی با زمینه تاریخی معماری ایران داشت. در این سبک، سادگی خراسانی با تزئینات پیچیده‌تر و کارکرد متنوع بناها در هم آمیخت و پیشرفت تکنیک‌های ساخت امکان ایجاد فرم‌های پیچیده‌تری مانند گنبد دوپوسته و ایوان بلند را فراهم کرد. استفاده از کتیبه‌ها و نقوش شکسته با خط کوفی نیز در تزئینات بناها رواج یافت. مسجد جامع اصفهان (بخش‌های سلجوقی)، گنبد قابوس و برج‌های خرقان از نمونه‌های برجسته این سبک هستند.

- تجزیه و تحلیل داده‌ها و شناسایی عوامل:
○ عوامل اصلی شکل‌دهنده به زمینه‌گرایی: پیشرفت‌های فنی (گنبد دوپوسته، ایوان‌های بلند، استفاده از آجرکاری پیچیده)، افزایش تزئینات (گچبری، آجرکاری تزئینی)، ظهور الگوهای جدید (چهار ایوانی، برج‌های مقبره‌ای) و نمایش قدرت و شکوه حکومت‌های محلی (مانند سلجوقیان).

- عوامل جهت‌دهنده به عوامل اصلی: ثبات سیاسی و رونق اقتصادی نسبی، حمایت حاکمان از هنر و معماری، رشد شهرنشینی و نیاز به فضاهای عمومی و مذهبی باشکوه‌تر و رقابت‌های منطقه‌ای میان حکومت‌ها برای نمایش قدرت.

- بررسی تغییرات معنایی با استفاده از تقابل‌های دوگانه:

- تقابل ساختار / تزئین (Structure / Ornamentation): در سبک رازی، تزئینات دیگر امری الحاقی یا ثانویه نیست، بلکه به طور فزاینده‌ای با ساختار در هم تنیده می‌شود (مانند آجرکاری‌های نما که هم نقش

- بررسی تغییرات معنایی با استفاده از تقابل‌های دوگانه:

- تقابل سادگی / تزئین (Simplicity / Ornamentation): درک رایج، سادگی معماری خراسانی را صرفاً نتیجه محدودیت‌های فنی یا آموزه‌های زاهدانه می‌داند. اما با رویکرد واسازانه، می‌توان این سادگی را نه به عنوان فقدان تزئین، بلکه به عنوان یک انتخاب معنادار و حتی یک بیانیه در تقابل با شکوه و تفاخر معماری‌های پیشین (مانند کاخ‌های ساسانی) یا معماری‌های معاصر در سایر فرهنگ‌ها (مانند بیزانس) خواند. سادگی در اینجا خود یک ردپا از تزئین است؛ یعنی در غیاب و با ارجاع به آن تعریف می‌شود. بنابراین، سادگی صرفاً یک ویژگی کالبدی نیست، بلکه دالی است که مدلول‌های فرهنگی و ایدئولوژیک خاصی را در بر دارد. این سادگی همچنین می‌تواند به عنوان تلاشی برای مرکززدایی از اشرافیت و تأکید بر برابری در فضای عبادی تفسیر شود.

- تقابل درون‌گرایی / برون‌گرایی (Introversion / Extroversion): مساجد اولیه مانند تاریخانه دامغان با پلان شبستانی ساده و حیاط مرکزی، الگویی درون‌گرا را به نمایش می‌گذارند. این درون‌گرایی اغلب به نیاز به تفکیک فضای مقدس از محیط بیرون و یا مسائل اقلیمی نسبت داده می‌شود؛ اما می‌توان آن را در تقابل با فضاهای عمومی و شهری پیش از اسلام نیز دید. درون‌گرایی مسجد، فضایی برای اجتماع مؤمنان درون جامعه اسلامی ایجاد می‌کند و مرزی نمادین با برون (جهان غیراسلامی یا حتی فضای عمومی غیردینی) ترسیم می‌کند. با این حال، خود حیاط مسجد (صحن) به عنوان یک فضای نیمه‌عمومی، این تقابل را بی‌ثبات می‌کند و به عنوان یک آپوری یا فضای بینابینی عمل می‌کند که نه کاملاً درون است و نه کاملاً برون.

- تقابل بومی / غیربومی (Indigenous / Non-indigenous): استفاده از مصالح و فنون محلی (خشت و آجرکاری ساده) به عنوان یک ویژگی بارز زمینه‌گرایی در این سبک شناخته می‌شود. اما این بومی بودن را نباید امری ذات‌گرایانه و ایستا تلقی کرد. الگوهای اولیه مساجد (مانند پلان عربی) خود وام‌گرفته از خارج از فلات ایران بوده‌اند که با نیازها و امکانات بومی تطبیق یافته‌اند. بنابراین، زمینه‌گرایی در اینجا نه یک بازگشت خالص به امر بومی، بلکه یک فرآیند پیوندزنی و مذاکره میان الگوهای وارداتی و ظرفیت‌های محلی است. بومی در اینجا در تقابل و در عین حال در ترکیب با غیربومی معنا می‌یابد.

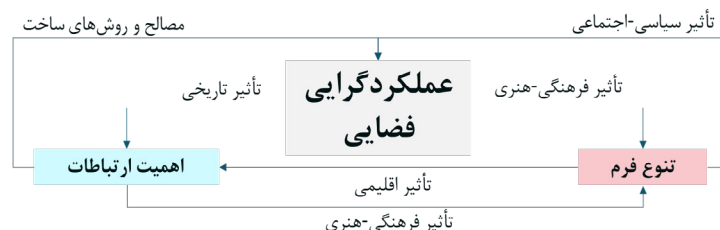
- نقاط ضعف در مفاهیم موجود: تلقی زمینه‌گرایی خراسانی صرفاً به عنوان یک معماری عملکردی و ساده، از درک لایه‌های معنایی و ایدئولوژیک آن باز می‌ماند. این نگاه،



جدول ۷. ترکیب‌شناسی عوامل زمینه‌گرایی در سبک رازی

عامل زمینه‌گرا	حجم کمی	محتوای کیفی
تأثیر سیاسی-اجتماعی	زیاد (گسترش شهرنشینی، نیاز به بناهای متنوع)	پاسخ به نیازهای جامعه شهری، نمایش قدرت حکومت‌ها
مصلح و تکنیک‌های ساخت	زیاد (استفاده از آجر مرغوب، گچبری، گنبد دویپسته)	ارتقای کیفیت ساخت، امکان ایجاد فرم‌های پیچیده
تأثیر فرهنگی-هنری	زیاد (تلفیق سبک‌های پیشین، استفاده از کتیبه و نقوش)	تبلور هنر اسلامی ایرانی، پیوند با سنت‌های معماری
تأثیر اقلیمی	متوسط (توجه به تهویه و نورگیری در ایوان‌ها)	پاسخ به شرایط اقلیمی مناطق مختلف
تأثیر تاریخی	زیاد (تأثیرپذیری از سبک‌های پارسی، پارتی و خراسانی)	تداوم و تکامل الگوهای معماری ایرانی

شبکه ارتباط تم‌ها



از «سنت»، بلکه یک «بازخوانی» و «دگرنویسی» از آن است. هر عنصر جدید، «ردپایی» از عناصر قدیمی‌تر را در خود حمل می‌کند و معنای خود را در این تفاوت و تعویق می‌یابد.

- نقاط ضعف در مفاهیم موجود: تمرکز صرف بر جنبه‌های فنی و زیبایی‌شناختی سبک رازی، بدون در نظر گرفتن بسترهای سیاسی و اجتماعی و نقش قدرت در شکل‌دهی به این معماری، تصویری ناقص ارائه می‌دهد. همچنین، مفهوم تکامل خطی از سبک خراسانی به رازی، پیچیدگی‌ها و گسست‌های احتمالی را نادیده می‌گیرد.

۳-۵. واسازی زمینه‌گرایی در سبک آذری (قرن ۷ تا ۵۹۰ ق. / سده‌های ۱۳ تا ۱۵ م.)

سبک آذری، که در دوره حکومت‌های ایلخانیان و تیموریان رواج یافت، با عظمت و شکوه در اندازه‌ها، استفاده از رنگ‌های فیروزه‌ای و لاجوردی در کاشی‌کاری، گنبدهای بلند و مناره‌های مرتفع شناخته می‌شود. در این دوره، زمینه‌گرایی تحت تأثیر قدرت و ثروت حکومت‌های مغول و تیموری و تمایل آنها به نمایش این اقتدار در بناهای عظیم و باشکوه قرار گرفت. در این سبک، تزئینات به تدریج از ساختار اصلی جدا شد و استفاده گسترده از کاشی تراش و رنگ‌های درخشان در نماها رواج یافت. توسعه گنبدهای دو و سه پوسته مرتفع، امکان ایجاد فضاهای وسیع‌تر و جلوه‌های بصری چشمگیرتر را فراهم کرد. استفاده از چفد کلیل آذری نیز به‌عنوان یک عنصر شاخص در طراحی بناها مطرح شد. در این دوره، رابطه بین شکوه معماری و اهداف سیاسی و اجتماعی حاکمان بسیار قوی بود و کاشی‌کاری‌های رنگین نقش مهمی در هویت

سازه‌های و هم تزئینی دارند). این امر دوگانگی کلاسیک ساختار/تزئین را به چالش می‌کشد. تزئینات در گنبد قابوس یا برج‌های خرقان نه تنها برای زیبایی، بلکه برای نمایش مهارت فنی و انتقال مفاهیم نمادین (مانند مفاهیم عرفانی یا نجومی) به کار رفته‌اند. تزئین در اینجا به نوشتاری بر بدنه معماری تبدیل می‌شود که حامل معانی چندلایه است و از صرف دلالت بر زیبایی فراتر می‌رود.

○ تقابل قدرت / مردم (Power / People): بناهای باشکوهی چون بخش‌های سلجوقی مسجد جامع اصفهان یا گنبد قابوس، به وضوح نشان‌دهنده قدرت و اقتدار حاکمان هستند. اما این بناها فضاهای عمومی نیز بوده‌اند که مردم در آن‌ها حضور می‌یافتند. زمینه‌گرایی در اینجا در یک تنش میان نمایش قدرت از بالا و نیازهای عبادی و اجتماعی مردم از پایین شکل می‌گیرد. ایوان‌های بلند و گنبدهای رفیع، ضمن ایجاد فضایی برای مردم، همواره یادآور حضور یک قدرت مرکزی و مسلط هستند. این یک گره و بن‌بست (آپوری) در مفهوم زمینه‌گرایی است: آیا معماری به زمینه (مردم) پاسخ می‌دهد یا زمینه (مردم) را تحت تأثیر قدرت حاکم شکل می‌دهد؟

○ تقابل نوآوری / سنت (Innovation / Tradition): سبک رازی شاهد نوآوری‌های فنی و هنری چشمگیری است، اما این نوآوری‌ها اغلب در ادامه و با ارجاع به سنت‌های معماری پیشین (ساسانی و خراسانی) صورت می‌گیرد. به‌عنوان مثال، الگوی چهار ایوانی که در این دوره تثبیت می‌شود، ریشه در معماری کهن ایران دارد اما با مقیاس و تناسبات جدیدی در مساجد به کار می‌رود. «نوآوری» در اینجا نه گسست کامل

معماری و تداوم و توسعه الگوهای پیشین (مانند ایوان و گنبد).
 ○ عوامل جهت‌دهنده به عوامل اصلی: تلاش حکومت‌های ایلخانی و سپس تیموری برای مشروعیت‌بخشی به خود از طریق ساخت‌وسازهای عظیم، رقابت با سایر مراکز قدرت در جهان اسلام، حمایت گسترده از هنرمندان و معماران و توسعه تکنیک‌های ساخت و تزئینات (به‌ویژه در کاشی‌کاری).

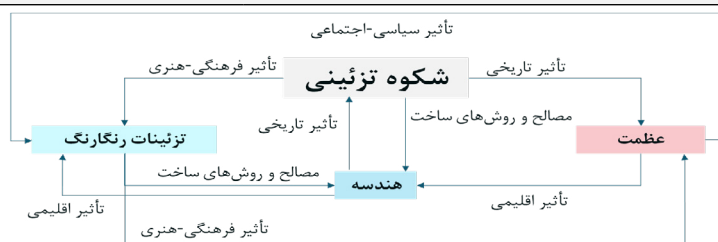
بصری و نمادین بناها ایفا می‌کرد. مسجد گوهرشاد مشهد، مقبره اولجایتو (سلطانیه) و مسجد جامع یزد از نمونه‌های شاخص این سبک هستند.

• تجزیه و تحلیل داده‌ها و شناسایی عوامل:
 ○ عوامل اصلی شکل‌دهنده به زمینه‌گرایی: عظمت‌گرایی و مقیاس بزرگ (گنبد‌های بسیار بلند، مناره‌های مرتفع)، استفاده گسترده از کاشی‌کاری‌های رنگین (به‌ویژه فیروزه‌ای و لاجوردی)، توجه به فضاهای شهری و مجموعه‌های

جدول ۸. ترکیب‌شناسی عوامل زمینه‌گرایی در سبک آذری

عامل زمینه‌گرا	حجم کمی	محتوای کیفی
تأثیر سیاسی-اجتماعی	بسیار زیاد (نمایش قدرت و ثروت حکومت‌ها)	ایجاد بناهای عظیم و باشکوه، تأکید بر اقتدار
مصالح و تکنیک‌های ساخت	زیاد (استفاده گسترده از کاشی تراش، گنبد‌های مرتفع)	ارتقای فنون کاشیکاری، نوآوری در ساخت گنبد
تأثیر فرهنگی-هنری	زیاد (استفاده از رنگ‌های فیروزه‌ای و لاجوردی، چفد کلیل آذری)	تبلور هنر دوره ایلخانی و تیموری، ایجاد عناصر بصری شاخص
تأثیر اقلیمی	کم (گنبد‌های مرتفع، جرزهای قطور، ایوان‌های عمیق، مصالح مقاوم، بادگیر اندک، نورگیری محدود، تزئینات کاشیکاری، ساختار غیر بومی، پلان‌های متمرکز)	توجه نمادین به شکوه، تقدم فرم بر اقلیم، حذف سازگاری، تأکید بر نمایان‌گری، تمرکزگرایی ساختاری، اقتباس فرمی از سبک‌ها، غلبه معماری قدرت، عدم توازن با محیط، گرایش به بیانگری، تقلیل اقلیم به حاشیه
تأثیر تاریخی	متوسط (تکامل از سبک رازی)	حفظ برخی الگوهای ساختاری پیشین با تغییرات اساسی

شبکه ارتباط تم‌ها



نزدیک‌تر می‌کند؟
 ○ تقابل رنگ / فرم (Color / Form): کاشی‌کاری‌های درخشان و رنگین، از ویژگی‌های بارز سبک آذری است. در برخی موارد، به نظر می‌رسد که رنگ بر فرم غلبه می‌کند و سطوح معماری به بستری برای نمایش نقوش و رنگ‌ها تبدیل می‌شوند. این امر می‌تواند دوگانگی فرم/محتوا یا ساختار/پوشش را به چالش بکشد. آیا رنگ صرفاً یک پوشش تزئینی است یا خود بخشی از ماهیت فرم و فضا است؟ رنگ‌ها در اینجا نه تنها ارزش زیبایی‌شناختی، بلکه بار معنایی و نمادین نیز دارند (مانند فیروزه‌ای به‌عنوان نماد آسمان یا پیروزی). رنگ به زبانی تبدیل می‌شود که با مخاطب ارتباط برقرار می‌کند و از سکوت فرم فراتر می‌رود.
 ○ تقابل تداوم / گسست (Continuity / Discontinuity): حمله مغول می‌توانست به گسستی کامل در سنت‌های معماری ایران منجر شود. اما سبک آذری

• بررسی تغییرات معنایی با استفاده از تقابل‌های دوگانه:

○ تقابل عظمت / انسان‌محوری (Grandeur / Human-scale): بناهایی چون مقبره اولجایتو (سلطانیه) یا مسجد گوهرشاد با مقیاس عظیم خود، انسان را در برابر قدرت الهی و سلطنت زمینی کوچک می‌نمایند. این عظمت به وضوح در خدمت نمایش قدرت و ایجاد حس هیبت است. اما در همین بناها، فضاهایی با مقیاس انسانی‌تر (مانند شبستان‌ها یا رواق‌ها) نیز وجود دارد. زمینه‌گرایی در اینجا در یک نوسان دائمی میان امر عظیم و امر انسانی تعریف می‌شود. عظمت می‌تواند به‌عنوان تلاشی برای فراتر رفتن از زمینه مادی و اشاره به یک امر متعالی (مرکز) تفسیر شود، اما در عین حال، این بناها باید برای انسان (کاربر) نیز قابل استفاده و معنادار باشند. آیا این عظمت، انسان را به حاشیه می‌راند یا او را به واسطه مشارکت در یک فضای جمعی باشکوه، به مرکز

توسعه هنرهای تزئینی و استفاده از کاشی هفت‌رنگ و نقاشی دیواری به اوج خود رسید و نقش مهمی در هویت بصری بناها ایفا کرد. طراحی شهری اصفهان، به ویژه خیابان چهارباغ، نمونه‌ای برجسته از توجه به ملاحظات زمینه‌گرایی در مقیاس شهری است که در آن عواملی مانند عقب‌نشینی از خیابان، ارتفاع بناها و هماهنگی بصری مورد توجه قرار گرفته است. در این دوره، رابطه بین طراحی میدان‌های بزرگ (مانند میدان نقش جهان) و نقش آنها به عنوان مراکز اجتماعی و اقتصادی شهر بسیار قوی بود و کاشی‌کاری‌های هفت رنگ به عنصری هویتی برای معماری این دوره تبدیل شد. میدان نقش جهان اصفهان، مسجد شیخ لطف‌الله، و کاخ چهلستون از نمونه‌های برجسته این سبک هستند.

- تجزیه و تحلیل داده‌ها و شناسایی عوامل:
- عوامل اصلی شکل‌دهنده به زمینه‌گرایی: شهرسازی و ایجاد فضاهای عمومی وسیع (میدان نقش جهان، چهارباغ)، توجه به تزئینات رنگین و متنوع (کاشی هفت‌رنگ، نقاشی دیواری)، ایجاد هماهنگی و وحدت در مجموعه‌های بزرگ معماری و تلاش برای ایجاد یک زبان بصری متمایز برای حکومت شیعی صفوی.
- عوامل جهت‌دهنده به عوامل اصلی: تمرکزگرایی سیاسی و قدرت دولت صفوی، رونق اقتصادی و تجارت (به‌ویژه تجارت ابریشم)، اهمیت اصفهان به عنوان پایتخت و مرکز مذهبی و نیاز به ایجاد فضاهایی برای نمایش قدرت و برگزاری مراسم عمومی و مذهبی.

نشان‌دهنده تداوم بسیاری از الگوها و فنون پیشین است، هرچند با تغییراتی در مقیاس و بیان. این نشان می‌دهد که زمینه (سنت‌های فرهنگی و هنری) دارای چنان قدرتی است که حتی در برابر گسست‌های سیاسی و نظامی نیز مقاومت می‌کند و خود را بازتولید می‌کند. با این حال، این تداوم یک تکرار ساده نیست، بلکه یک دگرنویسی است که در آن عناصر گذشته با نیازها و آرمان‌های دوره جدید ترکیب می‌شوند. ردپاهای ویرانی و بازسازی را می‌توان در برخی از این بناها جستجو کرد.

- نقاط ضعف در مفاهیم موجود: اغلب تحلیل‌ها بر جنبه‌های شکلی و فنی سبک آذری تمرکز کرده و به نقش پیچیده حکومت‌های ایلخانی و تیموری (که اصالتاً غیرایرانی بودند) در حمایت از هنری که عمیقاً ریشه در سنت‌های ایرانی داشت، کمتر پرداخته‌اند. واسازی می‌تواند به درک بهتر این رابطه دوگانه و گاه متناقض کمک کند.

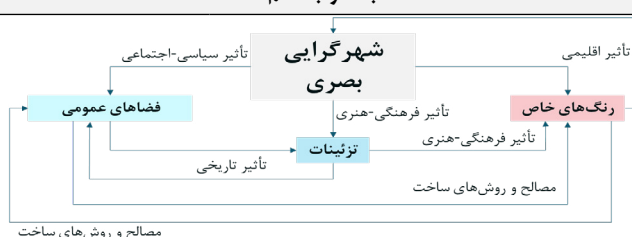
۴-۵. واسازی زمینه‌گرایی در سبک اصفهانی (قرن ۱۰ تا ۱۳ ه.ق. / سده‌های ۱۶ تا ۱۸ م.)

سبک اصفهانی، که در دوره حکومت صفویه، افشاریه، زندیه، و اوایل قاجار رواج یافت، با کاهش عظمت ساختمان‌ها و افزایش تزئینات، استفاده گسترده از کاشی‌های هفت‌رنگ و نقاشی‌های دیواری و ساخت میدان‌های بزرگ و خیابان‌های عریض شناخته می‌شود. در این دوره، زمینه‌گرایی به ویژه در مقیاس شهری و با ایجاد یک پایتخت متمرکز در اصفهان و تأکید بر شهرسازی و فضاهای عمومی، اهمیت ویژه‌ای یافت.

جدول ۹. ترکیب‌شناسی عوامل زمینه‌گرایی در سبک اصفهانی

عامل زمینه‌گرا	حجم کمی	محتوای کیفی
تأثیر سیاسی-اجتماعی	بسیار زیاد (ایجاد پایتخت متمرکز، تأکید بر شهرسازی)	خلق فضاهای عمومی وسیع، سازماندهی شهر
مصالح و روش‌های ساخت	زیاد (استفاده گسترده از کاشی هفت‌رنگ، نقاشی دیواری)	ارتقای هنرهای تزئینی، ایجاد جلوه‌های بصری متنوع
تأثیر فرهنگی-هنری	بسیار زیاد (توسعه نقاشی و کاشیکاری، طراحی شهری)	تبلور هنر و شهرسازی دوره صفوی، ایجاد هویت بصری منسجم
تأثیر اقلیمی	متوسط (توجه به حیاط‌های مرکزی و تهویه)	پاسخ به شرایط اقلیمی منطقه اصفهان
تأثیر تاریخی	بسیار زیاد (میدان نقش جهان، نظم‌محور بودن، محورهای شعاعی، کاشیکاری صفوی، سردرهای تشریفاتی، گسترش مدارس و مساجد، تقارن سیاسی-فضایی، باغ‌های سلطنتی، گنبد‌های فیروزه‌ای، شکل‌گیری ساختار پایتخت)	نظام‌مندی قدرت، پیوند فضا با سیاست، بازنمایی اقتدار، انسجام کالبدی، بازارایی منظر شهری، گسترش نمادهای شیعی، الگوپردازی از گذشته، هماهنگی معماری با حکومت، ترکیب عملکرد و نمایش، شکل‌گیری فضاهای مراسمی

شبکه ارتباط تم‌ها



همچنین، تمرکز بر اصفهان به عنوان نمونه اعلامی این سبک، ممکن است به غفلت از تجلیات آن در سایر مناطق ایران منجر شود.

۵-۵. واسازی زمینه‌گرایی در سبک قاجار (قرن ۱۳ تا ۱۴ ه.ق. / سده‌های ۱۹ تا ۲۰ م.)

سبک قاجار، که در دوره حکومت قاجاریه رواج یافت، با تأثیرپذیری از معماری اروپایی، استفاده از آینه‌کاری و نقاشی‌های غربی و ساخت عمارت‌های مجلل با تزئینات فراوان شناخته می‌شود. در این دوره، با افزایش روابط ایران با غرب، معماری ایرانی به شدت تحت تأثیر سبک‌های اروپایی قرار گرفت. با این وجود، تلاش‌هایی نیز برای تلفیق عناصر معماری سنتی ایرانی با سبک‌های غربی صورت گرفت. استفاده از آینه‌کاری و نقاشی‌های غربی در کنار حفظ برخی عناصر سنتی مانند حیاط مرکزی و ایوان، نشان از تلاش برای ایجاد تعادل بین زمینه‌های فرهنگی داخلی و خارجی داشت.

بررسی بناهای مسکونی شاخص شهر رشت در دوره قاجار نشان می‌دهد که معماران این دوره با استفاده از عناصری مانند ایوان، سقف شیبدار سفالی، آینه‌کاری، و اتاقک کلاه‌فرنگی، زمینه‌گرایی را با الگوهای غربی مرسوم در آن دوره ترکیب کرده‌اند. در این دوره، تأثیر معماری اروپایی بر فرم و تزئینات بناها بسیار مشهود بود و آینه‌کاری و نقاشی‌های غربی نقش مهمی در تغییر هویت بصری معماری ایفا کردند. کاخ گلستان تهران، مسجد سپهسالار (مدرسه شهید مطهری) و عمارت شمس‌العماره از نمونه‌های قابل توجه این سبک هستند.

- تجزیه و تحلیل داده‌ها و شناسایی عوامل:
- عوامل اصلی شکل‌دهنده به زمینه‌گرایی: التقاط‌گرایی و ترکیب عناصر سنتی ایرانی با الگوها و تزئینات اروپایی، استفاده گسترده از آینه‌کاری، نقاشی‌های دیواری با مضامین جدید (گاه غربی) و ساخت عمارت‌های مجلل با فضاهای بیرونی و باغ‌های وسیع.
- عوامل جهت‌دهنده به عوامل اصلی: ضعف حکومت مرکزی و افزایش نفوذ قدرت‌های استعماری، سفرهای ایرانیان به اروپا و آشنایی با معماری غرب، تلاش بخشی از نخبگان برای مدرن‌سازی و در عین حال حفظ هویت ایرانی و ظهور طبقه جدیدی از تجار و اشراف با سلاقی متفاوت.

- بررسی تغییرات معنایی با استفاده از تقابل‌های دوگانه:

○ تقابل عمومی / خصوصی (Public / Private): میدان نقش جهان به عنوان یک فضای عمومی بزرگ و چند عملکردی (محل برگزاری مراسم، بازار، فضای تفریحی) در قلب شهر قرار دارد. این نشان‌دهنده اهمیت فزاینده فضای عمومی در دوره صفویه است. اما در عین حال، کاخ‌های سلطنتی (مانند عالی‌قاپو و چهلستون) با وجود قرارگیری در کنار این میدان، دارای حریم‌های خصوصی و فضاهای اندرونی پیچیده‌ای هستند. زمینه‌گرایی در اینجا در یک بازی مداوم میان نمایش عمومی و خلوت خصوصی شکل می‌گیرد. عمومی بودن میدان، خود تحت نظارت و کنترل خصوصی (حکومت) قرار دارد و این دوگانگی را بی‌ثبات می‌کند. آیا میدان فضایی برای مردم است یا صحنه‌ای برای نمایش قدرت حکومت به مردم و بیگانگان.

○ تقابل وحدت / کثرت (Unity / Multiplicity): معماری سبک اصفهانی، به ویژه در مجموعه‌هایی مانند میدان نقش جهان، به دنبال ایجاد وحدت و هماهنگی بصری است. اما این وحدت از طریق کنار هم قرار گرفتن عناصر متکثر (مسجد، بازار، کاخ، سردرها) و با استفاده از تزئینات بسیار متنوع و پر جزئیات به دست می‌آید. وحدت در اینجا نه یک یکپارچگی صلب و یکدست، بلکه یک هارمونی حاصل از تنوع است. این امر می‌تواند به چالش کشیدن مفهوم مرکزگرایی وحدت و تأکید بر اهمیت تفاوت و کثرت در ایجاد یک کل معنادار تفسیر شود. هر بنا در عین حال که جزئی از یک کل است، هویت مستقل خود را نیز حفظ می‌کند.

○ تقابل ظاهر / باطن (Appearance / Essence): (Exterior / Interior): توجه بسیار زیاد به تزئینات سطوح خارجی بناها (به ویژه کاشی‌کاری) در سبک اصفهانی، گاه این نقد را برانگیخته که این معماری بیشتر به ظاهر توجه دارد تا باطن یا ساختار. اما با نگاهی واسازانه، می‌توان این ظاهر را نه به عنوان یک پوسته صرف، بلکه به عنوان بخشی از باطن و هویت بنا تلقی کرد. تزئینات در اینجا نه تنها برای زیبایی، بلکه برای انتقال مفاهیم فرهنگی، مذهبی، و سیاسی به کار رفته‌اند. ظاهر خود به یک متن تبدیل می‌شود که قابل خوانش و تفسیر است. تفکیک قاطع میان ظاهر و باطن در اینجا ناممکن به نظر می‌رسد، زیرا هر یک در تعریف دیگری نقش دارد.

- نقاط ضعف در مفاهیم موجود: تحسین اغراق‌آمیز از هماهنگی و وحدت سبک اصفهانی، گاه منجر به نادیده گرفتن تنش‌ها و تضادهای اجتماعی و سیاسی موجود در آن دوره می‌شود که ممکن است در معماری نیز بازتاب یافته باشند.

جدول ۱۰. ترکیب‌شناسی عوامل زمینه‌گرایی در سبک قاجار

عامل زمینه‌گرا	حجم کمی	محتوای کیفی
تأثیر سیاسی-اجتماعی	زیاد (افزایش روابط با غرب، تأثیر فرهنگ اروپایی)	ورود الگوهای معماری غربی، تغییر در سلیقه و نیازها
مصلح و روش‌های ساخت	متوسط (استفاده از آینه کاری، نقاشی غربی در کنار مصالح سنتی)	تلفیق مصالح و تکنیک‌های سنتی و مدرن
تأثیر فرهنگی-هنری	زیاد (تأثیر هنر اروپایی، تلاش برای تلفیق با عناصر سنتی)	تغییر در الگوهای تزئین، ایجاد سبک التقاطی
تأثیر اقلیمی	متوسط (حیاط مرکزی، تابستان‌نشین و زمستان‌نشین، شیشه‌های رنگی، بادگیرها، پنجره‌های ارسی، سایه‌اندازهای سنتی، مصالح ترکیبی، مطبق‌سازی فضایی، سقف‌های چوبی، تنوع فصلی فضاها)	تداوم الگوهای بومی، سازگاری فضاها با فصل‌ها، حفظ حریم اقلیمی، کارکردگرایی سنتی، آمیختگی با نوگرایی، توجه به آسایش حرارتی، تضعیف تدریجی بوم‌گرایی، تحول فرم درونگرا، تقابل تجدد و سنت، گرایش به زیبایی اقلیمی
تأثیر تاریخی	متوسط (تداوم برخی عناصر سنتی در کنار نوآوری‌های غربی)	حفظ برخی الگوهای پیشین با تأثیرپذیری از معماری اروپایی

شبکه ارتباط تم‌ها



پنجره‌های بزرگ رو به خیابان و فضاهای نیمه‌عمومی مانند بالکن‌ها هستیم. این امر نشان‌دهنده چرخشی از درون‌گرایی سنتی به سمت نوعی برون‌گرایی است. اما این برون‌گرایی نیز اغلب با حفظ حریم‌های داخلی و تفکیک فضاها همراه است. درون و برون در حال مذاکره و بازتعریف یکدیگر هستند.

• نقاط ضعف در مفاهیم موجود: نگاه تحقیرآمیز به معماری دوره قاجار به‌عنوان یک دوره انحطاط و تقلید، مانع از درک پیچیدگی‌ها و خلاقیت‌های آن در پاسخ به چالش‌های دوران گذار شده است. این نگاه اغلب مبتنی بر یک ایده رمانتیک و ذات‌گرایانه از اصالت ایرانی است.

۵-۶. واسازی زمینه‌گرایی در معماری معاصر ایران (از قرن ۱۴ ه.ق. به بعد / سده ۲۰ م. تاکنون)

معماری معاصر ایران در بستری از تحولات سریع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، و تکنولوژیک و در مواجهه دائمی با گفتمان‌های جهانی معماری شکل گرفته است. این دوره، با ویژگی‌هایی همچون ترکیب معماری سنتی ایرانی با سبک‌های مدرن، استفاده از مصالح جدید (بتن، فولاد، شیشه) و بازگشت به الگوهای تاریخی در برخی بناهای مذهبی و فرهنگی شناخته می‌شود. در این دوره، معماری ایران به شدت تحت تأثیر معماری مدرن و جریان جهانی شدن قرار گرفته است. با این وجود، در دهه‌های اخیر، تلاش‌های بسیاری برای احیای زمینه‌گرایی در معماری معاصر ایران صورت گرفته است.

معماران معاصر ایرانی تلاش می‌کنند تا با در نظر گرفتن زمینه‌های کالبدی، تاریخی، اجتماعی-فرهنگی، و اقلیمی، به

• بررسی تغییرات معنایی با استفاده از تقابل‌های دوگانه:

○ تقابل سنت / فرنگ (Tradition / West): این تقابل، محور اصلی تحلیل زمینه‌گرایی در دوره قاجار است. معماری این دوره نه یک پذیرش کامل از فرنگ است و نه یک تداوم خالص از سنت. بلکه یک فضای بینابینی و پیوندزنی است که در آن عناصر هر دو فرهنگ با هم ترکیب و گاه به شکلی نامتجانس، کنار هم قرار می‌گیرند. کاخ گلستان یا عمارت شمس‌العماره نمونه‌هایی از این التقاط هستند. سنت در اینجا دیگر یک امر ثابت و ازلی نیست، بلکه در مواجهه با دیگری (فرنگ) بازتعریف و گاه حتی اختراع می‌شود. فرنگ نیز نه به صورت یکپارچه، بلکه به شکلی گزینشی و متناسب با نیازها و سلیقه‌های محلی وارد می‌شود.

○ تقابل اصالت / تقلید (Authenticity / Imitation): معماری قاجار اغلب به تقلید سطحی از غرب متهم می‌شود. اما با نگاهی واسازانه، می‌توان این تقلید را نه به‌عنوان یک عمل منفی، بلکه به‌عنوان یک استراتژی خلاقانه برای مواجهه با مدرنیته و ایجاد هویتی جدید در دوران گذار خواند. تقلید در اینجا می‌تواند به معنای «از آن خود کردن» و «دگرگون‌سازی» باشد. مرز میان اصالت و تقلید در اینجا بسیار لغزنده و مورد مناقشه است. چه چیزی «اصلی» ایرانی است و چه چیزی «تقلیدی» از غرب، خود یک برساخت گفتمانی است.

○ تقابل درون‌گرایی / برون‌گرایی بازتعریف‌شده: با تأثیر معماری اروپایی، شاهد افزایش اهمیت نماهای بیرونی،

○ عوامل اصلی شکل‌دهنده به زمینه‌گرایی: تلاش برای تعریف هویت ملی در معماری، چالش میان سنت و مدرنیته، تأثیر سبک‌های بین‌المللی و پست‌مدرن، رشد سریع شهرها و نیاز به انبوه‌سازی، بحران‌های زیست‌محیطی و توجه به پایداری و ظهور نسل جدیدی از معماران با دغدغه‌های نظری و فرهنگی.

○ عوامل جهت‌دهنده به عوامل اصلی: سیاست‌های دولتی در حوزه ساخت‌وساز و هویت‌بخشی (مانند دوران پهلوی اول و دوم و پس از انقلاب)، تحولات اقتصادی (درآمدهای نفتی، رکود، تحریم)، تغییرات سبک زندگی و ارزش‌های اجتماعی و دسترسی به تکنولوژی‌ها و مصالح جدید.

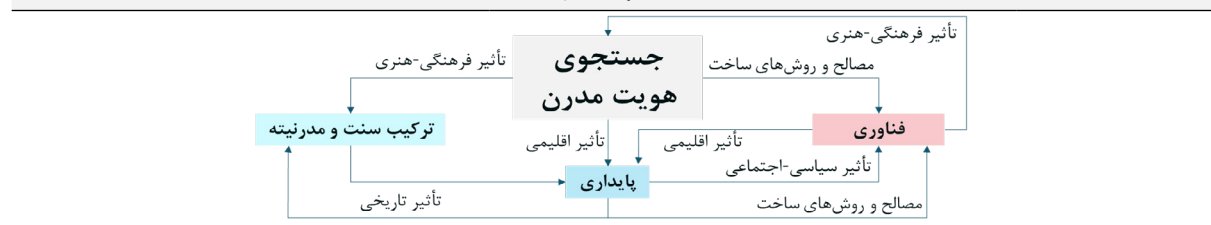
خلق فضاهایی بپردازند که ضمن بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، با هویت و فرهنگ ایرانی نیز همخوانی داشته باشند. بررسی نمونه‌های معماری معاصر با رویکرد زمینه‌گرایی نشان می‌دهد که معماران از روش‌های مختلفی برای تحقق این هدف استفاده می‌کنند، از جمله اقتباس از الگوهای سنتی، استفاده از مصالح بومی، توجه به اقلیم و ایجاد فضاهایی که با شیوه زندگی معاصر ایرانیان سازگار باشند. برج میلاد تهران، برج آزادی، و موزه ملی ایران (طراحی مدرن با الهام از طاق کسری) نمونه‌هایی از معماری معاصر ایران هستند که هر یک به نوعی با زمینه خود ارتباط برقرار کرده‌اند.

• تجزیه و تحلیل داده‌ها و شناسایی عوامل:

جدول ۱۱. ترکیب‌شناسی عوامل زمینه‌گرایی در سبک معاصر

عامل زمینه‌گرا	حجم کمی	محتوای کیفی
تأثیر سیاسی-اجتماعی	بسیار زیاد (جهانی شدن، مدرنیسم، تلاش برای حفظ هویت)	چالش‌های ناشی از تأثیرات جهانی، تلاش برای ایجاد تعادل
مصلح و روش‌های ساخت	زیاد (استفاده از مصالح و فناوری‌های نوین در کنار مصالح سنتی)	امکان ایجاد فرم‌های متنوع، توجه به پایداری
تأثیر فرهنگی-هنری	بسیار زیاد (تلاش برای احیای الگوهای سنتی با رویکرد مدرن)	بازتفسیر میراث معماری، ایجاد زبان معماری معاصر ایرانی
تأثیر اقلیمی	رو به افزایش (توجه به معماری پایدار و بهینه‌سازی مصرف انرژی)	تلاش برای طراحی بناهای سازگار با اقلیم‌های مختلف ایران
تأثیر تاریخی	متوسط (بازگشت به برخی الگوهای تاریخی در بناهای خاص)	حفظ ارتباط با میراث معماری ایران

شبکه ارتباطی تم‌ها



• بررسی تغییرات معنایی با استفاده از تقابل‌های دو گانه:

می‌گیرد.

○ تقابل زمینه‌گرایی انتقادی / زمینه‌گرایی فرمالیستی (Critical Contextualism / Formalist): بسیاری از تلاش‌ها برای زمینه‌گرایی در معماری معاصر ایران، به استفاده فرمال از عناصر سنتی (مانند قوس، گنبد، آجرکاری) بدون توجه به معانی عمیق‌تر یا نیازهای واقعی زمینه، تقلیل یافته است. در مقابل، زمینه‌گرایی انتقادی (به پیروی از نظریات کنت فرامپتون و دیگران) به دنبال ایجاد یک معماری است که هم به ویژگی‌های خاص زمینه (فرهنگی، اقلیمی، اجتماعی) پاسخ دهد و هم از پتانسیل‌های معماری مدرن برای ایجاد فضاهای با کیفیت و معنادار بهره‌برد. واسازی می‌تواند به نقد زمینه‌گرایی فرمالیستی و آشکارسازی سطحی‌نگری آن کمک کرده و راه را برای رویکردهای انتقادی‌تر هموار کند. این رویکرد به جای تمرکز بر چه چیزی از گذشته باید تکرار شود، بر چگونه

○ تقابل هویت / بی‌هویتی (Identity / Identity-lessness): یکی از دغدغه‌های اصلی معماری معاصر ایران، جستجو برای هویت ایرانی در مواجهه با جهانی شدن و سبک‌های وارداتی بوده است. این جستجو گاه به بازگشت‌های نوستالژیک به گذشته (گاه سطحی) و گاه به تلاش برای ایجاد تلفیق‌های خلاقانه منجر شده است. هویت در اینجا نه یک امر ثابت و از پیش داده شده، بلکه یک پروژه و یک برساخت دائمی است. واسازی می‌تواند به چالش کشیدن این ایده که یک هویت اصیل و واحد برای معماری ایرانی وجود دارد کمک کند و به جای آن بر هویت‌های متکثر و سیال تأکید کند. برج آزادی به‌عنوان نمادی از تهران مدرن، خود تلفیقی از الگوهای تاریخی ایران با بیانی مدرن است و نشان می‌دهد که چگونه هویت در یک فرآیند تعویق و تفاوت با گذشته و حال شکل

است. این یک آپوری مهم در معماری معاصر بسیاری از کشورها از جمله ایران است.

• نقاط ضعف در مفاهیم موجود: فقدان یک چارچوب نظری منسجم برای تحلیل و نقد معماری معاصر ایران و غلبه رویکردهای احساسی یا فرمالیستی در ارزیابی آثار، از جمله نقاط ضعف است. واسازی می‌تواند به ایجاد زبانی دقیق‌تر و انتقادی‌تر برای گفتگو در مورد معماری معاصر و چالش‌های زمینه‌گرایی در آن کمک کند.

این یافته‌ها نشان می‌دهد که زمینه‌گرایی در معماری ایران پس از اسلام، مفهومی ایستا و یکپارچه نبوده، بلکه در هر دوره تاریخی و در هر سبک معماری، تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل و گفتمان‌های خاص، بازتعریف و بازنمایی شده است.

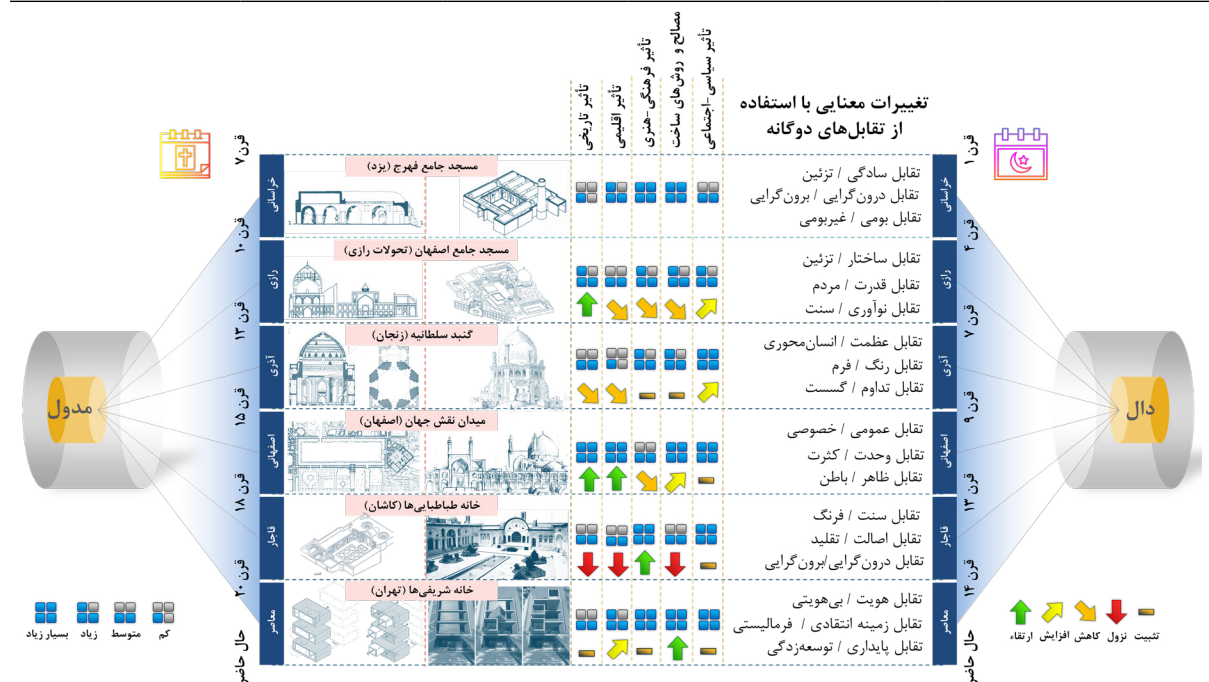
می‌توان با زمینه به شیوه‌ای خلاقانه و انتقادی مواجه شد، تأکید دارد.

○ تقابل پایداری / توسعه‌زدگی (Sustainability / Developmentalism): با تشدید بحران‌های زیست‌محیطی، مفهوم پایداری به یکی از ابعاد مهم زمینه‌گرایی تبدیل شده است. این امر شامل توجه به اقلیم، استفاده از مصالح دوستدار محیط زیست و کاهش مصرف انرژی است. اما این رویکرد گاه در تقابل با گفتمان توسعه‌زدگی قرار می‌گیرد که بر رشد سریع و ساخت‌وسازهای کلان بدون توجه به پیامدهای زیست‌محیطی و اجتماعی تأکید دارد. زمینه‌گرایی پایدار در اینجا به دنبال به چالش کشیدن مرکزیت توسعه به هر قیمت و جایگزین کردن آن با یک رویکرد کل‌نگرتر و مسئولانه‌تر

جدول ۱۲. واسازی تأثیر عوامل جهت‌دهنده بر شیوه‌های زمینه‌گرایی در سبک‌های مختلف

عامل جهت‌دهنده	خراسانی	رازی	آذری	اصفهانی	قاجار	معاصر
هم‌بسته‌های فرا معماری	صدر اسلام، سادگی، تأکید بر ارزش‌های اولیه اسلامی	حکومت‌های مقتدر، پیشرفت‌های علمی و فنی نسبی	امپراتوری‌های وسیع، تأثیرات فرهنگی متنوع	حکومت متمرکز صفوی، رونق هنر و تجارت، برنامه‌ریزی شهری	نفوذ غرب، تلاش برای مدرن‌سازی، ضعف حکومت مرکزی	پیشرفت فناوری، تنوع ایدئولوژیک
بازنمود در معماری	سادگی فرم، استفاده از مصالح بومی، عدم تزئینات زیاد، الگوگیری از مسجدالنبی	استفاده از تزئینات پیچیده، گنبد‌های دوپوسته، ایوان‌های بلند، توجه به دوام و ترکیب فضایی	عظمت و شکوه در اندازه‌ها، استفاده از رنگ‌های فیروزه‌ای گنبد‌های بلند و مناره‌های مرتفع	ساخت میدان‌های بزرگ، افزایش تزئینات و استفاده از کاشی‌های هفت‌رنگ، کاهش نسبی عظمت بناها، توجه به فضاهای عمومی	تأثیرپذیری از معماری اروپایی، استفاده از آینه‌کاری و نقاشی‌های غربی، ساخت عمارت‌های مجلل با تزئینات القاطی، ظهور معماری خیابانی و تغییر از درونگرایی	ترکیب سنت و مدرنیته، استفاده از مصالح و فناوری‌های نوین، بازگشت به الگوهای تاریخی، توجه به پایداری، تلاش برای تعریف هویت معماری معاصر در مواجهه با تأثیرات جهانی و سیاست‌های داخلی

رابطه غیرمستقیم بین دال و مدول در سبک‌های معماری ایران پس از اسلام



رویکرد واسازانه به ما کمک می‌کند تا از درک‌های سطحی و تقلیل‌گرایانه فراتر رفته و به لایه‌های عمیق‌تر، پیچیده‌تر و گاه متناقض این مفهوم دست یابیم.

در بخش بعدی، به تفسیر عمیق‌تر این یافته‌ها و پیامدهای آن‌ها برای درک معماری ایران و عمل حرفه‌ای معماری پرداخته خواهد شد.

۶. نتایج

معماری ایران پس از اسلام، همواره به‌عنوان بستری غنی برای تبلور مفاهیم فرهنگی، اجتماعی، تاریخی، و اقلیمی در قالب فضاهای ساخته شده شناخته شده است. در این میان، مفهوم زمینه‌گرایی به‌عنوان رویکردی که بر تعامل و پیوند عمیق میان اثر معماری و محیط پیرامون آن تأکید دارد، نقش بسزایی در شکل‌گیری هویت منحصر به فرد این معماری ایفا نموده است. بررسی چگونگی تجلی این مفهوم در طول دوره‌های مختلف تاریخی و سبک‌های معماری ایران پس از اسلام، نه تنها درک ما را از این میراث غنی ارتقا می‌بخشد، بلکه می‌تواند راهگشای معماران و شهرسازان معاصر در مواجهه با چالش‌های پیش‌روی و خلق فضاهایی هماهنگ با بستر و هویت فرهنگی جامعه باشد. در عصری که معماری معاصر ایران تحت تأثیر جریان جهانی شدن و الگوهای غربی قرار گرفته است، بازخوانی و درک عمیق از شیوه‌های زمینه‌گرایی در معماری سنتی می‌تواند به تقویت هویت معماری ایرانی کمک شایانی نماید.

پژوهش حاضر با هدف واسازی شیوه‌های زمینه‌گرایی در سبک‌های معماری ایران پس از اسلام و با تمرکز بر تغییر در تعداد عوامل و حجم کمی و محتوای کیفی روابط بین عوامل تشکیل‌دهنده زمینه‌گرایی معماری، به تحلیل انتقادی این مفهوم در بسترهای تاریخی و گفتمانی مختلف پرداخت. یافته‌های به‌دست‌آمده از تحلیل سبک‌های خراسانی، رازی، آذری، اصفهانی، قاجار، و معاصر، نشان‌دهنده آن است که زمینه و زمینه‌گرایی مفاهیمی ثابت، جهانشمول و دارای ماهیتی از پیش تعیین‌شده نیستند، بلکه برساخت‌هایی تاریخی، فرهنگی و گفتمانی هستند که در هر دوره و تحت تأثیر نیروهای متعدد، بازتعریف و بازنمایی شده‌اند.

اهمیت روش واسازی در این پژوهش، در توانایی آن برای فراتر رفتن از توصیف‌های مرسوم و تحلیل‌های فرمالیستی یا عملکردگرایانه از زمینه‌گرایی آشکار شد. با به‌کارگیری ابزارهای مفهومی دریدایی چون تعویق معنا، ردپاها، بن‌بست‌ها و به چالش کشیدن «تقابل‌های دوگانه»، این امکان فراهم آمد تا لایه‌های پنهان، تناقضات درونی و معانی به حاشیه رانده شده در گفتمان زمینه‌گرایی هر سبک آشکار شود.

به‌عنوان مثال، سادگی در سبک خراسانی نه صرفاً یک محدودیت فنی، بلکه یک انتخاب معنادار و یک بیانیه در تقابل با تفاخر تفسیر شد؛ تزئین در سبک رازی و اصفهانی از یک عنصر الحاقی به بخشی جدایی‌ناپذیر از ساختار و حامل معانی چندلایه ارتقا یافت؛ عظمت در سبک آذری در تنش با مقیاس انسانی و به مثابه ابزار نمایش قدرت بازخوانی شد؛ و التقاط در سبک قاجار نه نشانه‌ای از انحطاط، بلکه یک استراتژی خلاقانه برای مواجهه با مدرنیته و فرهنگ دیگری فهمیده شد. در معماری معاصر نیز، مفاهیمی چون هویت و پایداری به‌عنوان عرصه‌هایی برای مناقشه و بازتعریف مداوم زمینه‌گرایی مورد بررسی قرار گرفتند. سیر تحول یافته‌ها نشان داد که عوامل شکل‌دهنده به زمینه‌گرایی و روابط میان آن‌ها، در طول تاریخ معماری ایران پس از اسلام دستخوش تحولات چشمگیری شده‌اند:

۱. تکثر و پیچیدگی فزاینده عوامل: بررسی تغییر در تعداد عوامل و حجم کمی و محتوای کیفی روابط بین عوامل تشکیل‌دهنده زمینه‌گرایی معماری در سبک‌های معماری دوران مختلف جامعه ایران پس از اسلام، نشان می‌دهد که با گذشت زمان، تعداد عوامل زمینه‌گرا افزایش یافته و روابط بین آنها پیچیده‌تر شده است. از تعداد محدودتر عوامل مؤثر در سبک خراسانی (مانند آموزه‌های دینی اولیه، نیازهای عملکردی پایه، مصالح در دسترس) به شبکه‌ای بسیار پیچیده و متکثر از عوامل در معماری معاصر (شامل هویت، تکنولوژی، اقتصاد جهانی، رسانه‌ها، گفتمان‌های زیست‌محیطی، و نظریه‌های معماری) رسیده‌ایم.

۲. نقش متغیر قدرت و ایدئولوژی در شیوه‌های زمینه‌گرایی: در تمامی دوره‌ها، قدرت حاکم و ایدئولوژی غالب، نقشی اساسی در تعریف و جهت‌دهی به شیوه‌های زمینه‌گرایی داشته‌اند. معماری همواره به‌عنوان ابزاری برای نمایش قدرت، مشروعیت‌بخشی و ترویج ارزش‌های خاص به کار رفته است. با این حال، نحوه اعمال این قدرت و نوع گفتمان مسلط در هر دوره متفاوت بوده است. واسازی این روابط قدرت، به درک عمیق‌تری از اینکه چرا برخی شیوه‌های زمینه‌گرایی در یک دوره خاص برجسته شده و برخی دیگر به حاشیه رانده شده‌اند، کمک کرد. می‌توان گفت، «زمینه» در معماری ایران پس از اسلام، نه یک واقعیت عینی و ثابت، بلکه یک مفهوم برساخته شده در بستر گفتمان‌های مسلط هر دوره تاریخی است که تحت تأثیر هم‌بسته‌های فرامعماری (قدرت، ایدئولوژی، اقتصاد، اجتماع) شکل گرفته و بازتعریف شده است.

۳. نقش «مراکز مقتدر» و «حاشیه‌ها»: در هر سبک، «مراکز مقتدر» (نهادهای سیاسی، دینی، اقتصادی) با تولید



در سبک اصفهانی، با تأکید بر شهرسازی و فضاهای عمومی، مفهوم زمینه به مقیاس شهری ارتقا یافت و نظریه غالب، ایجاد یک پایتخت باشکوه و هماهنگ بود. در سبک قاجار، با ورود تأثیرات معماری اروپایی، زمینه به یک مفهوم دوگانه تبدیل شد؛ از یک سو، زمینه فرهنگی داخلی با سنت‌های معماری ایرانی و از سوی دیگر، زمینه فرهنگی خارجی با الگوهای غربی. در معماری معاصر، مفهوم زمینه پیچیده‌تر شده و شامل زمینه‌های جهانی، مدرن، پایدار و در عین حال، زمینه فرهنگی و تاریخی ایران می‌شود. نظریه غالب در این دوره، یافتن تعادلی بین این زمینه‌های متضاد است.

۷. شیوه تأثیر هم‌بسته‌های فرامعماری در دوران هر سبک: رهیافتی عملی در خصوص خوانش هم‌بسته‌های فرامعماری در دوران هر سبک، نشان می‌دهد که عوامل غیرمعماری (سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، مذهبی) نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری شیوه‌های زمینه‌گرایی در هر دوره داشته‌اند. در سبک خراسانی، قدرت اسلام و نیازهای جامعه نوپای مسلمان، مهمترین عوامل فرامعماری بودند. در سبک رازی، شکوفایی اقتصادی و فرهنگی و ظهور حکومت‌های قدرتمند، زمینه‌ساز توسعه معماری گردید. در سبک آذری، حمله مغول و سپس حکومت تیموریان، با ایجاد تغییرات اساسی در ساختار سیاسی و اجتماعی، معماری را به سمت عظمت و شکوه سوق داد. در سبک اصفهانی، استقرار حکومت صفویه و ایجاد ثبات سیاسی و رونق اقتصادی، امکان توسعه شهرسازی و معماری را فراهم آورد. در سبک قاجار، نفوذ قدرت‌های اروپایی و تغییرات اجتماعی ناشی از آن، معماری را تحت تأثیر قرار داد. در معماری معاصر، تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی در سطح جهانی، معماری ایران را نیز دستخوش تغییرات عمیق نموده است. این تفسیر از یافته‌ها، در راستای هدف پژوهش یعنی نشان دادن تغییر در تعداد عوامل و حجم کمی و محتوای کیفی روابط بین عوامل تشکیل‌دهنده زمینه‌گرایی و پاسخ به سوالات پژوهش در مورد عوامل اصلی و جهت‌دهنده و تأثیر آن‌ها بر شیوه‌های زمینه‌گرایی در هر سبک معماری است. اهمیت واسازی در اینجا، فراتر از یک روش تحلیل، به مثابه یک راهبرد پژوهش عمل کرده که امکان خوانش هم‌بسته‌های فرامعماری و واسازی فلسفی زمینه‌گرایی را فراهم آورده است. به کارگیری رویکرد واسازانه در این پژوهش، دارای نکات قابل توجهی بود:

- آشکارسازی پیش‌فرض‌های پنهان: این رویکرد امکان داد تا فراتر از تحلیل‌های رایج، به پیش‌فرض‌ها، ارزش‌ها و سلسله‌مراتب پنهان در گفتمان زمینه‌گرایی هر دوره

گفتمان‌های غالب، به تفسیر و اولویت‌بندی عوامل زمینه و در نتیجه به شیوه‌های زمینه‌گرایی جهت داده‌اند، در حالی که «حاشیه‌ها» (گروه‌های فرودست، مناطق دورافتاده، ایده‌های بدیل) اغلب نادیده گرفته شده یا سرکوب شده‌اند، اما ردهای آن‌ها گاه در متن معماری قابل پیگیری است.

۴. سیالیت مرز میان «خود» و «دیگری»: تقابل دوگانه «بومی/غیربومی» یا «سنت/مدرنیته» که اغلب در تحلیل زمینه‌گرایی به کار می‌رود، در پرتو یافته‌های این پژوهش، بسیار سیال و قابل بازنگری به نظر می‌رسد. معماری ایران همواره در تعامل با فرهنگ‌ها و تمدن‌های دیگر بوده و عناصر «غیربومی» را جذب، دگرگون و از آن خود کرده است. «سنت» نیز خود یک مفهوم ثابت نبوده و در هر دوره بازتفسیر شده است. این پژوهش نشان داد که به جای جستجوی یک «اصالت» ناب و دست‌نخورده، باید به فرآیندهای «پیوندزنی» و «دگرنویسی» که هویت معماری ایران را شکل داده‌اند، توجه کرد.

۵. ناپایداری تقابل‌های دوگانه کلیدی: تقابل‌هایی چون درون/برون، ساختار/تزیین، فرم/عملکرد و عمومی/خصوصی که اغلب به عنوان چارچوب‌هایی ثابت برای تحلیل معماری به کار می‌روند، در عمل و در بستر تاریخی، همواره در حال بی‌ثبات شدن و بازتعریف بوده‌اند. یافته‌ها نشان داد که قطب‌های این دوگانگی‌ها نه تنها در تقابل، بلکه در وابستگی متقابل و در تعریف یکدیگر نقش دارند و مرزهای میان آن‌ها اغلب مبهم و قابل عبور است. واسازی این تقابل‌ها، ناپایداری و سلسله‌مراتبی بودن آن‌ها را آشکار می‌سازد. به عنوان مثال، تزیینات می‌توانند بخشی از ساختار باشند، یا فضای عمومی می‌تواند تحت کنترل شدید خصوصی قرار گیرد.

۶. درک و تعریف زمینه بر اساس نظریه غالب هر دوره: واسازی مفهوم زمینه در هر سبک معماری با تأکید بر نظریه غالب در آن دوره، نشان می‌دهد که در هر دوره تاریخی، درک و تعریف زمینه متفاوت بوده است. در سبک خراسانی، زمینه بیشتر جغرافیایی و مذهبی بود؛ استفاده از مصالح بومی و رعایت اصول سادگی و کارکردگرایی مذهبی، تعریفی از زمینه را ارائه می‌دهد که بر این دو عامل استوار است. در سبک رازی، با گسترش شهرنشینی و تنوع کاربری بناها، مفهوم زمینه گسترده‌تر شد و شامل زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی نیز گردید. نظریه غالب در این دوره، تلفیق و تکامل سبک‌های پیشین بود که خود نوعی پاسخ به زمینه تاریخی به شمار می‌رفت. در سبک آذری، زمینه بیشتر سیاسی و نمادین بود؛ عظمت و شکوه بناها و استفاده از تزیینات فاخر، بازتابی از قدرت و ثروت حاکمان و در نتیجه، زمینه سیاسی و اجتماعی آن دوران بود.

پرداخته شود.

• توجه به امر به حاشیه رانده شده: واسازی به طور ذاتی به دنبال شنیدن صداهای خاموش و دیدن وجوه نادیده گرفته شده است. در این پژوهش، این امر به معنای توجه به تأثیر عوامل غیرکالبدی، نقش گروه‌های اجتماعی مختلف و یا تفاسیر غیرمسلط از زمینه بود.

• ایجاد امکان خوانش‌های متعدد و پویا: با نفی معنای ثابت و نهایی واسازی راه را برای خوانش‌های جدید و خلاقانه از تاریخ معماری و مفهوم زمینه‌گرایی باز می‌کند و از ذات‌گرایی و جبرگرایی تاریخی پرهیز می‌کند. این پژوهش نشان داد که مفاهیمی چون زمینه، هویت، سنت و بومی بودن مفاهیمی ثابت و ذاتی نیستند، بلکه برساخت‌هایی گفتمانی هستند که در بسترهای تاریخی و فرهنگی مختلف، معانی متفاوتی به خود می‌گیرند.^{۱۲}

• تأکید بر پیچیدگی و تناقض: این رویکرد به جای ارائه پاسخ‌های ساده و قطعی، بر پیچیدگی، چندلایگی و حتی تناقضات درونی پدیده‌ها تأکید می‌کند که این خود به درک واقع‌بینانه‌تری از معماری و زمینه آن منجر می‌شود.

با این حال، رویکرد واسازانه، مانند هر روش دیگری، دارای محدودیت‌ها و چالش‌های بالقوه‌ای نیز هست:

• خطر نسبی‌گرایی افراطی: اگرچه واسازی به دنبال نفی معنای ثابت است، اما این نباید به معنای نفی هرگونه امکان فهم یا ارزیابی تلقی شود. چالش اصلی، حفظ تعادل میان گشودگی به خوانش‌های متعدد و نیاز به ارائه تحلیل‌های منسجم و قابل دفاع است.

• پیچیدگی زبان و مفاهیم: مفاهیم دریدایی گاه پیچیده و دیرفهم هستند و این امر می‌تواند ارتباط با مخاطبان گسترده‌تر را دشوار سازد. تلاش شد تا در این پژوهش، این مفاهیم تا حد امکان به زبانی روشن و در ارتباط با مصادیق معماری بیان شوند.

• دشواری در ارائه راهکارهای عملی مستقیم: از آنجا که واسازی بیشتر بر نقد و آشکارسازی تمرکز دارد تا ارائه راه‌حل‌های تجویزی، ممکن است این نقد مطرح شود که چگونه می‌توان از یافته‌های آن به طور مستقیم در عمل حرفه‌ای معماری بهره برد. با این حال، همانطور که در بخش نتایج توضیح داده شد، ایجاد یک بینش انتقادی و عمیق‌تر نسبت به مفاهیم بنیادین، خود می‌تواند پیش‌زمینه‌ای برای عمل خلاقانه‌تر و مسئولانه‌تر باشد.^{۱۳}

• محدودیت در دسترسی به تمامی متون: تحلیل جامع هم‌بسته‌های فرامعماری هر دوران، نیازمند دسترسی و تحلیل طیف وسیعی از متون تاریخی، اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی است که ممکن است در عمل با محدودیت‌هایی مواجه باشد.

این پژوهش تلاش کرده است تا با تمرکز بر منابع معتبر و کلیدی، به این مهم دست یابد.

انعطاف‌پذیری نتایج حاصل از این پژوهش، یکی از ویژگی‌های آن است. با توجه به ماهیت واسازانه، این یافته‌ها نه به‌عنوان حقایق نهایی، بلکه به‌عنوان خوانش‌هایی ممکن و محرک برای اندیشیدن بیشتر ارائه می‌شوند. این پژوهش در را برای تحلیل‌های واسازانه دیگری از سایر جنبه‌های معماری ایران یا بازخوانی همین موضوع از زوایای دیگر باز می‌گذارد. این پژوهش با به چالش کشیدن برخی رویکردهای سنتی در تاریخ‌نگاری معماری ایران که اغلب بر توصیف سبک‌ها و عناصر به شکلی ایستا تمرکز دارند و همچنین با نقد رویکردهای زمینه‌گرایانه فرمالیستی یا نوستالژیک در معماری معاصر، خود را در ادامه جریان‌های نقد نظری در معماری قرار می‌دهد. این تحقیق نشان داد که بسیاری از دوگانگی‌هایی که در ادبیات زمینه‌گرایی مطرح می‌شوند (مانند سنت/مدرنیته، بومی/جهانی) نیاز به بازنگری و واسازی دارند. برای پژوهش‌های آینده، پیشنهاد می‌شود:

۱. تحلیل‌های واسازانه موردی و عمیق‌تر: تمرکز بر یک بنای خاص، یک دوره محدودتر، یا یک مفهوم ویژه (مانند مفهوم حریم یا فضای عمومی) با رویکرد واسازانه می‌تواند به نتایج دقیق‌تری منجر شود. زیرا بیان شد که اصالت و هویت مفاهیمی سیال و برساخته‌اند، نه ذات‌های ثابت. پس به جای جستجوی بنیادشناس برای «هویت اصیل ایرانی»، بهتر است که تمرکز بر فرآیندهای هویت‌سازی و امکان خلق هویت‌های متکثر و معاصرسازی این فرایندها قرار گیرد. بر این اساس، این پژوهش می‌تواند به‌عنوان پایه‌ای برای مطالعات واسازانه دقیق‌تر و متمرکزتر بر روی بناهای خاص، گونه‌های ساختمانی (مانند بازارها، حمام‌ها، خانه‌ها)، یا مفاهیم خاص (مانند حریم، محرمیت، فضای عمومی) در معماری ایران عمل کند.^{۱۴}

۲. بررسی نقش دیگری‌های کمتر دیده‌شده: تحلیل تأثیرگذاری گروه‌های قومی، اقلیت‌های مذهبی، یا نقش زنان در شکل‌دهی به معماری و درک زمینه در دوره‌های مختلف در کنار تأثیرگذاری هم‌بسته‌های فرامعماری (قدرت، ایدئولوژی، اجتماع)، موجب افزایش آگاهی اجتماعی و سیاسی معماران و شهرسازان خواهد شد.

۳. اهمیت نقدپذیری نظریات موجود: واسازی ذاتاً یک فعالیت نقادانه است و بر این اصل استوار است که هیچ نظریه یا تفسیری، نهایی و فراتر از نقد نیست.^{۱۵} زیرا از یک سو بررسی شد که تقابل‌های دوگانه مسلط (سنت/مدرنیته، بومی/غیربومی) اغلب سلسله‌مراتبی و محدودکننده هستند. به چالش کشیدن این دوگانگی‌ها در فرآیند طراحی

۱۰. ارزیابی سبک‌های معماری پس از اسلام ایران از منظر فرهنگ و هنر اسلامی و منابع و مبانی معتبر و تأیید شده آن.

در نهایت، این پژوهش با ارائه خوانشی انتقادی از شیوه‌های زمینه‌گرایی در سبک‌های معماری ایران پس از اسلام، امیدوار است که به غنای مباحث نظری در حوزه معماری و شهرسازی ایران کمک کرده و معماران و پژوهشگران را به بازاندیشی مداوم در مفروضات و مفاهیم بنیادین این رشته ترغیب نماید. این بازاندیشی، گام نخست به سوی خلق معماری‌هایی است که نه تنها به زمینه کالبدی، بلکه به لایه‌های پیچیده فرهنگی، اجتماعی، و تاریخی آن نیز به شیوه‌ای خلاقانه و مسئولانه پاسخ می‌دهند. در خاتمه، این پژوهش تأکید می‌نماید که پذیرش نقدپذیری و بازاندیشی مداوم در مفاهیم بنیادین، شرط لازم برای پویایی و پیشرفت در هر حوزه‌ای از جمله معماری و شهرسازی است. امید است نتایج و مباحث مطرح شده در این پژوهش، گامی کوچک در جهت تقویت این رویکرد انتقادی در جامعه معماری ایران باشد.

۷. نتیجه‌گیری

جمع‌بندی کلی آنکه، زمینه‌گرایی در معماری، رویکردی است که بر ضرورت توجه به محیط پیرامون اثر معماری و تعامل سازنده با آن تأکید دارد. این رویکرد، معماری را نه به عنوان یک شیء منفرد و مجزا، بلکه به عنوان جزئی لاینفک از بستر فرهنگی، اجتماعی، تاریخی، کالبدی، و اقلیمی خود در نظر می‌گیرد. به عبارت دیگر، معماری زمینه‌گرا تلاش می‌کند تا با درک و دریافت پیام‌های محیط پیرامون، به خلق فضاهایی بپردازد که با زمینه خود سازگار و هماهنگ باشند. ابعاد مختلف زمینه‌گرایی شامل زمینه کالبدی (توپوگرافی، مصالح، بافت)، زمینه تاریخی (سنت‌ها، الگوها، میراث)، زمینه اجتماعی-فرهنگی (ارزش‌ها، آداب و رسوم، شیوه زندگی) و زمینه اقلیمی (آب و هوا، نور، باد) می‌باشد که هر یک به نحوی بر شکل‌گیری اثر معماری تأثیر می‌گذارند. زمینه‌گرایی نقش مهمی در حفظ هویت معماری ایفا می‌کند، زیرا با توجه به ویژگی‌های منحصر به فرد هر مکان، از ایجاد فضاهای همگن و بی هویت جلوگیری می‌نماید. یافته‌های کلیدی این پژوهش را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

۱. زمینه‌گرایی به مثابه برساختی پویا و متغیر: برخلاف تصور رایج که زمینه‌گرایی را مجموعه‌ای از اصول ثابت یا پاسخ به عوامل از پیش تعیین شده می‌داند، این پژوهش نشان داد که مفهوم زمینه و شیوه‌های پاسخ به آن در هر دوره تاریخی (خراسانی، رازی، آذری، اصفهانی، قاجار، و معاصر) به طور فعال برساخته شده و تحت تأثیر گفتمان‌های غالب،

و نقد؛ جستجو برای راه‌حل‌های بینابینی و پیوندی که از این تقابل‌ها فراتر روند. از سوی دیگر بیان شد که تاریخ معماری و روایت‌های آن خود نیازمند بازخوانی و واسازی انتقادی هستند. در نتیجه، تشویق به پژوهش‌های تاریخی انتقادی و چندصدایی در معماری، موجب بازنگری در متون آموزشی تاریخ معماری در اولین گام خواهد شد.

۴. واسازی گفتمان آموزش معماری در ایران: بررسی اینکه چگونه مفاهیمی چون «زمینه» و «سنت» در نظام آموزشی معماری ایران تدریس و بازتولید می‌شوند و چگونه می‌توان رویکردهای انتقادی‌تری را در این زمینه به کار گرفت. آموزش معماری باید دانشجویان را به خوانش انتقادی و واسازانه از تاریخ و نظریه معماری، به ویژه در مورد مفاهیمی چون زمینه و هویت تشویق کند. به جای ارائه راه‌حل‌های فرمولی و تجویزی برای زمینه‌گرایی، باید بر توسعه ظرفیت تحلیلی و تفکر انتقادی دانشجویان، با تمرکز بر تحلیل موردی و حساس به بافتار تأکید شود.

۵. تحلیل تطبیقی با سایر فرهنگ‌ها: مقایسه شیوه‌های زمینه‌گرایی و تحولات آن در معماری ایران با سایر کشورهای اسلامی یا کشورهایی با تجربه استعمار و مدرنیته مشابه، یا غیر اسلامی با رویکرد واسازانه می‌تواند به درک عمیق‌تری از ویژگی‌های خاص و عام این پدیده کمک کند. ۶. رویکردهای نوین به حفاظت و مرمت: درک واسازانه از میراث معماری می‌تواند به فراتر رفتن از رویکردهای صرفاً حفاظتی یا بازسازی‌های ایده‌آلیستی کمک کند. مرمت می‌تواند به عنوان یک «خوانش» و «تفسیر» از بنا در نظر گرفته شود که در آن لایه‌های مختلف تاریخی و معنایی (حتی تناقض‌ها) به رسمیت شناخته می‌شوند.

۷. الهام‌بخشی برای طراحی معاصر: معماران معاصر می‌توانند با درک عمیق‌تر از چگونگی برساخته شدن زمینه در گذشته و با آگاهی از نقش قدرت و گفتمان، به شیوه‌های خلاقانه‌تر و مسئولانه‌تری با زمینه خود درگیر شوند. این به معنای تقلید صرف از گذشته نیست، بلکه به معنای ایجاد یک گفتگوی انتقادی و پویا بین گذشته، حال و آینده است.^{۱۶}

۸. سیاست‌گذاری شهری و معماری: سیاست‌گذاران باید از تحمیل تعاریف یکسان و ثابت از «هویت» یا «زمینه‌گرایی» در طرح‌های شهری و معماری پرهیز کنند و به جای آن، فضا را برای تکثر، تنوع و بیان‌های بدیل باز بگذارند.^{۱۷}

۹. بررسی انتقادی متون قانونی و اسناد بالادستی معماری و شهرسازی: طرح‌های جامع و تفصیلی، مقررات ملی ساختمان، اسناد مربوط به میراث فرهنگی؛ با هدف آشکارسازی مفروضات پنهان و تأثیرات گفتمانی آن‌ها.^{۱۸}

واسازی و با پاسخ به سوالات اصلی پژوهش، مورد تفسیر و تحلیل عمیق‌تر قرار می‌گیرند. تأکید بر اهمیت واسازی در شناخت مفاهیم زمینه‌گرایی و نقد و تحلیل نقاط قوت و ضعف یافته‌ها با نشان دادن گستردگی تحلیل و انعطاف‌پذیری نتایج خواهد بود.

سوال ۱ (عوامل اصلی زمینه‌گرایی): یافته‌ها نشان داد که عوامل اصلی زمینه‌گرایی (اقلیم، مصالح، فرهنگ، اجتماع، اقتصاد، سیاست، فناوری) در هر سبک معماری ایران پس از اسلام، نه به صورت ثابت و از پیش تعیین شده، بلکه در یک فرآیند گفتمانی و تحت تأثیر مراکز مقتدر هر دوره (مانند دربار، نهاد دین، تجار) اولویت‌بندی و تفسیر شده‌اند. واسازی نشان داد که چگونه این اولویت‌بندی‌ها، خود بازتابی از روابط قدرت و ایدئولوژی بوده‌اند. به‌عنوان مثال، تأکید بر درون‌گرایی در دوره‌هایی خاص، بیش از آنکه صرفاً پاسخی به اقلیم باشد، می‌تواند با مفاهیمی چون حریم، امنیت یا حتی تفکیک جنسیتی در گفتمان اجتماعی آن دوره مرتبط باشد.

سوال ۲ (عوامل جهت‌دهنده فرامعماری): هم‌بسته‌های فرامعماری، به ویژه ساختار قدرت سیاسی (مانند خلافت اموی و عباسی، حکومت‌های محلی ایرانی، امپراتوری‌های سلجوقی، ایلخانی، تیموری، صفوی، و دولت‌های مدرن قاجار و پهلوی) و نظام‌های اعتقادی و ایدئولوژیک (اسلام با تفاسیر مختلف، ملی‌گرایی، مدرنیسم)، نقش مرکز مقتدر را در تعریف و تحقق زمینه در هر سبک ایفا کرده‌اند. این عوامل علاوه بر آنکه منابع مالی و اجرایی را کنترل می‌کردند، با تولید گفتمان‌های مسلط، تعیین می‌کردند که چه نوع معماری مناسب زمینه تلقی شود.

سوال ۳ (تأثیر عوامل جهت‌دهنده بر شیوه‌های زمینه‌گرایی از طریق ساختارهای گفتمانی): واسازی تقابل‌های دوگانه کلیدی (سنت/نوآوری، بومی/غیربومی، درون‌گرا/برون‌گرا، کالبد/معنا، مرکز/حاشیه) نشان داد که چگونه در هر سبک، یک قطب از این تقابل‌ها به طور موقت بر دیگری ارجحیت یافته و این ارجحیت چگونه در فرم‌ها، فضاها و تزئینات معماری باز نمود یافته است. به‌عنوان مثال، در سبک قاجار، تقابل ایرانی/فرنگی به یک چالش اصلی تبدیل شد و معماری این دوره، تلاشی (گاه متناقض) برای آشتی دادن یا گزینش از میان این دو قطب بود که خود تحت تأثیر گفتمان‌های نوپای ملی‌گرایی و مدرن‌سازی قرار داشت.

ساختارهای قدرت، تحولات اجتماعی-اقتصادی و پیشرفت‌های فنی، دستخوش تغییرات بنیادین در تعداد عوامل مؤثر و کیفیت روابط میان آن‌ها شده است.

۲. نقش محوری واسازی در آشکارسازی لایه‌های پنهان: روش واسازی با به چالش کشیدن تقابل‌های دوگانه مسلط (مانند سنت/مدرنیته، بومی/غیربومی، درون/برون، ساختار/تزیین، مرکز/حاشیه)، آشکار ساخت که این دوگانگی‌ها اغلب سلسله‌مراتبی بوده و یکی از قطب‌ها به طور نظام‌مند بر دیگری برتری داده شده است. واسازی این سلسله‌مراتب و بی‌ثبات کردن آن‌ها، امکان فهم عمیق‌تر و چندلایه‌تری از پیچیدگی‌ها، تناقضات و معانی به حاشیه رانده شده در شیوه‌های زمینه‌گرایی هر سبک را فراهم آورد. به‌عنوان مثال، سادگی در سبک خراسانی نه فقدان، که انتخابی معنادار بود و التقاط در سبک قاجار نه انحطاط، که استراتژی مواجهه بود.

۳. تأثیر هم‌بسته‌های فرامعماری: پژوهش نشان داد که درک زمینه‌گرایی بدون توجه به هم‌بسته‌های فرامعماری هر دوران (سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، و ایدئولوژیک) ناقص خواهد بود. این هم‌بسته‌ها نه تنها عوامل اصلی زمینه‌گرایی را جهت‌دهی کرده‌اند، بلکه بر تفسیر و ارزش‌گذاری شیوه‌های مختلف زمینه‌گرایی نیز تأثیرگذار بوده‌اند.

۴. اهمیت بازخوانی انتقادی تاریخ معماری: نتایج این پژوهش بر ضرورت بازخوانی مداوم و انتقادی تاریخ معماری ایران تأکید می‌کند. روایت‌های مسلط از تاریخ معماری، خود می‌توانند برساخت‌هایی باشند که نیازمند واسازی و به چالش کشیده شدن هستند تا فضایی برای شنیدن صداها و دیگر دیدن وجوه کمتر دیده‌شده، فراهم شود.

امکان توسعه رویکرد واسازانه در پژوهش‌های آتی معماری ایران بسیار گسترده است. این رویکرد می‌تواند برای تحلیل مفاهیم کلیدی دیگر در معماری (مانند فضا، زمان، مکان، هویت، پایداری)، بررسی آثار معماران خاص، تحلیل گفتمان‌های نقد و آموزش معماری و حتی در فرآیند طراحی خلاقانه به کار گرفته شود. واسازی با ترویج نگاهی پرسشگر، شکاک و ضد ذات‌گرا، می‌تواند به پویایی و عمق‌بخشی به پژوهش‌های معماری کمک شایانی نماید. نتایج این پژوهش دارای پیامدهای عملی متعددی برای حوزه‌های مرتبط با معماری و شهرسازی است.

در این بخش، یافته‌های پژوهش در پرتو چارچوب نظری

پی‌نوشت

روشن‌شناختی است. پژوهش حاضر آگاه است که مبانی هستی‌شناختی این رویکرد، که مبتنی بر نقد «متافیزیک حضور» و «مرکززدایی» است،

۱. اتخاذ روش واسازی، که در بستر فلسفی پس‌اساختارگرایی و اندیشه‌های ژاک دریدا (Derrida 1998) تکوین یافته، مستلزم شفاف‌سازی

جدید هستند. این نقطه قوت واسازی است که به جای ارائه حقیقت نهایی، به دنبال گشودن فضا برای تفاوت و تکرار در معناهاست.

۱۴. واسازی آثار معماران شاخص ایرانی (تاریخی و معاصر): بازخوانی انتقادی آثار و اندیشه‌های معمارانی چون شیخ بهایی، آندره گدار، هوشنگ سیحون، حسین امانت، بهرام شیردل، و... .

۱۵. این پژوهش نیز خود را از این قاعده مستثنی نمی‌داند و امیدوار است که زمینه‌ای برای بحث‌ها و نقدهای بیشتر در حوزه مطالعات معماری و شهرسازی ایران فراهم آورد.

۱۶. واسازی مفهوم مسکن مطلوب و سیاست‌های تأمین مسکن در ایران: بررسی انتقادی الگوهای رایج مسکن، تأثیر سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی بر کیفیت مسکن و به حاشیه رانده شدن نیازهای گروه‌های خاص.

۱۷. تحلیل فضاهای عمومی و زندگی روزمره با رویکرد واسازانه: بررسی چگونگی شکل‌گیری و استفاده از فضاهای شهری (میدان، پارک‌ها، خیابان‌ها) و فضاهای نیمه‌عمومی (پاساژها، مجتمع‌های مسکونی) و نقش آن‌ها در بازتولید یا به چالش کشیدن روابط اجتماعی.

۱۸. تحلیل گفتمان‌های کلیدی در معماری معاصر ایران: گفتمان معماری ایرانی-اسلامی، گفتمان پایداری، گفتمان مشارکت مردمی، گفتمان بازآفرینی شهری.

دارای تمایزات و تضادهای بنیادین با معارف توحیدی و مبانی نظری حکمت اسلامی حاکم بر بطن معماری ایران پس از اسلام می‌باشد. بر این اساس، تأکید می‌گردد که در این پژوهش، «واسازی» نه به‌عنوان یک غایت فلسفی، یک هستی‌شناسی جایگزین یا رویکردی در طراحی، بلکه به‌مثابه یک «بازار روش‌شناختی» دقیق برای «خوانش انتقادی» متون (اعم از معماری و نوشتاری) به کار گرفته شده است.

۲. Ontological

۳. Epistemological

۴. Metaphysics of Presence

۵. Logocentrism

۶. De Architectura

۷. Firmitas

۸. Fallingwater

۹. Critical Regionalism

۱۰. Esencialismo

۱۱. Deconstruction Research Method

۱۲. این امر به ویژه در مواجهه با چالش‌های معماری معاصر ایران، که درگیر پرسش‌هایی از هویت و زمینه است، اهمیت دارد.

۱۳. انعطاف‌پذیری نتایج واسازی به این معناست که تفسیرهای ارائه شده، نهایی و قطعی نیستند، بلکه خود قابل واسازی و بازخوانی‌های

منابع

۱. احمدی، فرشته، فاطمه تسلیمی، و محمد رضایی. ۱۳۹۵. درآمدی بر سبک معماری خراسان، تبیین و تحلیل اندیشه‌های آن. کنفرانس دوسالانه جامعه و معماری معاصر. اصفهان.
۲. اکبری، علی‌اکبر، کاوه بذرافکن، فرهاد تهرانی، و سلطان‌زاده. ۱۳۹۶. تبیین روش‌های طراحی زمینه‌گرایی و منطقه‌گرایی در معماری ایران (نمونه مطالعاتی: اثرهایی شاخص با دوره‌های زمانی متفاوت از معماری شهر تهران). مدیریت شهری و روستایی ۱۶(۳): ۳۴۲-۳۴۷.
۳. بامشکی، سمیرا، و شمسی پارسا. ۱۳۹۴. واسازی در ادبیات و جلوه آن در معماری. نخستین کنفرانس ملی معماری، موسیقی، ادبیات. تهران.
۴. بانی‌مسعود، امیر. ۱۴۰۰. معماری معاصر در ایران از سال ۴۰۳۱ تاکنون. مشهد: کتابکده کسری.
۵. بحریه، پروشا، سحر طوفان، و شبنم اکبری نامدار. ۱۳۹۹. بازخوانی سیر تحول معماری در ساختار بازار تبریز با تأکید بر زمینه‌گرایی. مطالعات شهر ایرانی اسلامی ۱۰ (۳۹): ۵-۱۶.
۶. برولین، برنت. ۱۳۹۵. معماری زمینه‌گرا سازگاری ساختمان‌های جدید با قدیم. ترجمه‌ی راضیه رضازاده. اصفهان: خاک.
۷. بلندیان، محمدمهدی، و سارا ناصری. ۱۳۹۳. گفتمانی تحلیلی در ارزیابی رویکردها و رویه‌های معماری زمینه‌گرای شهری در عصر جهانی‌شدن. مدیریت شهری و روستایی ۱۳ (۳۷): ۲۹۹-۳۲۶.
۸. پیرنیا، محمدکریم، و غلامحسین معاریان. ۱۳۹۷. سبک‌شناسی معماری ایرانی. تدوین علی‌محمد رنجبر کرمانی. تهران: گلجام.
۹. تولایی، نوین. ۱۳۸۰. زمینه‌گرایی در شهرسازی. هنرهای زیبا ۱۰(۱۰): ۳۴-۴۳.
۱۰. حسینی‌نسب، صبا. ۱۳۹۷. زمینه‌گرایی و معماری: بررسی رویکردهای اجتماعی- فرهنگی در معماری معاصر ایران و غرب. تهران: دارالفنون.
۱۱. حق‌لسان، مسعود، و احسان شفق نیلویی. ۱۳۹۶. بازشناسی روش تحقیق کیفی. پنجمین کنگره بین‌المللی عمران، معماری، و توسعه شهری. تهران.
۱۲. خرسند، مرتضی، و دلارام سبک‌رو. ۱۴۰۲. سطوح اثربخشی ساختار قدرت بر معماری دوره پهلوی اول. باغ نظر ۲۰ (۱۲۴): ۸۳-۹۲.
۱۳. ذوقی حسینی، الهه. ۱۴۰۴. سیر تحول انواع منطقه‌گرایی در معماری از گذشته تا امروز. مطالعات طراحی معماری و شهرسازی

زمینه‌گرا (۱): ۱۰۶-۱۲۶.

۱۴. رحیمی، حجت‌اله. ۱۴۰۰. لوفور یا دریدا: پرسش‌های واسازی درباره مفهوم حق به شهر. حکمت و فلسفه ۱۷(۶۸): ۶۳-۹۹.
۱۵. رستمی، رامین، و روح‌اله پیری‌زاده. ۱۳۹۳. بررسی نمونه‌ای از عناصر زمینه‌گرایی در معماری سنتی ایران. کنفرانس بین‌المللی روش‌های نوین طراحی و ساخت در معماری زمینه‌گرا. تبریز.
۱۶. رشیدزاده، هومن. ۱۴۰۰. مطالعه تطبیقی رویکرد زمینه‌گرایی در معماری معاصر ایران (نمونه موردی: مرکز اسناد و کتابخانه ملی فارس). کنفرانس ملی معماری، عمران، شهرسازی و افاق‌های هنر اسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب. تبریز.
۱۷. رضوی‌نیا، سیدمحمدحسین. ۱۳۹۷. معماری مسکن و زمینه‌گرایی فرهنگی. تهران: توانگران.
۱۸. ریاحی‌زاده، مجید، محمد منصور فلامکی، و محمدرضا پورزرگر. ۱۴۰۲. خوانش نسبت تاریخ‌گرایی و مفهوم هویت در میراث معماری مدرن (۱۳۱۰-۱۳۲۰): نمونه موردی: شهر تهران. نقش جهان ۱۲ (۳): ۱-۲۱.
۱۹. سادات، سیده اشرف، اسماعیل ضرغامی، و علی خاکی. ۱۳۹۴. بررسی تطبیقی معماری پایدار و مطابقت آن با معماری بومی خانه‌های سنتی در شهر ایرانی- اسلامی. معماری و شهرسازی پایدار ۳ (۱): ۱۵-۳۰.
۲۰. سهیلی، جمال‌الدین، و زهرا بحرالعلومی. ۱۳۹۳. زمینه‌گرایی در معماری. تهران: گوهر دانش.
۲۱. سیدین، سیدامین. ۱۴۰۱. تبیین ارتباط میان مفاهیم معماری بومی و پایداری از رهگذار پرداختن به دوگانه‌ی سنت و مدرنیته. اولین همایش ملی بازآفرینی حیات فرهنگی-تاریخی در مدیریت شهر معاصر ایرانی. گیلان- لاهیجان.
۲۲. شاهد، زهره، و فاطمه شاهرودی. ۱۳۹۷. تقابل سنت و مدرنیته در بناهای یادمانی ایران از دهه ۲۰ تا ۵۰ شمسی (نمونه موردی آرامگاه بوعلی سینا شهر همدان). چهارمین کنفرانس ملی مهندسی عمران و معماری با تأکید بر فناوری‌های بومی ایران. تهران.
۲۳. شمس دهکردی، میلاد، افشین رئیسی دهکردی، و سما صادقی. ۱۳۹۵. بررسی ابعاد زمینه‌گرایی در معماری از منظر فرهنگ. اولین مسابقه کنفرانس بین‌المللی جامع علوم مهندسی در ایران. گیلان- بندر انزلی.
۲۴. عاکف، کاوه، و سیدعلی نوری. ۱۳۹۴. معماری زمینه‌گرا: گذار از مدرنیسم. اولین کنفرانس سالانه پژوهش‌های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری. یزد.
۲۵. عمرانی، آناهیتا. ۱۳۹۷. بررسی روش‌های پژوهش کیفی در معماری. دومین کنفرانس بین‌المللی افاق‌های نو در علوم مهندسی. استانبول.
۲۶. فرهنگدوست، هادی، و هیرو فرکیش. ۱۴۰۱. بررسی گستره و نظام مبانی نظری در مطالعات معماری معاصر. اندیش نامه معماری ۱۸۲: (۱) ۱۶۱-۱۸۲.
۲۷. فرهنگدوست، هادی، هیرو فرکیش، و تکتّم حنایی. ۱۴۰۱. تحول‌شناسی مبانی نظری معماری و شهرسازی معاصر، گذار از گفتمان تأثیرپذیری به تأثیرگذاری. مطالعات میان‌رشته‌ای معماری ایران ۱ (۲): ۷۱-۱۰۳.
۲۸. فیضی، فرزاد، و سارا صادقی. ۱۴۰۲. مطالعه مصادیق ارکان اصلی قدرت (قدرت سیاسی، اقتصادی و مذهبی) در مجموعه‌های معماری دوره ایلخانی (مطالعه موردی: گنبد سلطانیه). جستارنامه فرهنگ و هنر اسلامی ۴ (۹): ۱۷۲-۱۸۴.
۲۹. قاسمی، حمید، و همکاران. ۱۴۰۲. مرجع پژوهش. تهران: اندیشه آرا.
۳۰. قبادیان، وحید. ۱۴۰۱. سبک‌شناسی و مبانی نظری در معماری معاصر ایران. تدوین اکبر نعمتی، الهه محبی، و مهین اسدالله. تهران: کتاب فکر نو.
۳۱. قلعه‌نویی، محمود. ۱۴۰۱. خاستگاه‌های اندیشه و روش زمینه‌گرایی در شهرسازی، معماری و حوزه‌های تأثیرگذار بر این دو از دهه ۱۹۶۰ تاکنون. پژوهش‌های فضا و مکان در شهر ۷ (۲۵): ۵-۲۸.
۳۲. قنبری، ناصر، و یگانه منصور. ۱۳۹۶. اصول طراحی بناهای فرهنگی با رویکرد زمینه‌گرایی در معماری معاصر ایران. مطالعات جغرافیا، عمران و مدیریت شهری ۳ (۱): ۳۹-۵۷.
۳۳. کاشانی‌نسب، شروین. ۱۴۰۲. بررسی و تحلیل سبک‌های معماری ایران در دوران اسلام و تأثیرگذاری آن بر روی شهرسازی معاصر. پنجمین کنفرانس بین‌المللی و ششمین کنفرانس ملی عمران، معماری، هنر و طراحی شهری. تبریز.
۳۴. کاظمی، مهرش، و ایوب حسین‌زاده. ۱۳۹۶. رویکردی تحلیلی بر اندیشه‌های ژاک دریدا و تأثیر آن در معماری. پنجمین کنگره بین‌المللی عمران، معماری و توسعه شهری. تهران.
۳۵. کسمایی، مرتضی. ۱۳۹۲. اقلیم و معماری. اصفهان: خاک.
۳۶. کیانی، محمدیوسف. ۱۴۰۲. معماری ایران دوره اسلامی. تهران: سمت.
۳۷. محمدی، بابک، و بهاره جودت. ۱۴۰۲. بررسی کلی معماری بعد از اسلام در ایران و نقش آن در شیوه خراسانی، اصفهانی، آذری، و رازی (مطالعه موردی: مسجد تاریخانه دامغان، کاخ چهل ستون، آرامگاه شیخ صفی‌الدین اردبیلی، مسجد جامع اردستان). اولین کنفرانس بین‌المللی طراحی در مهندسی عمران، معماری و شهرسازی. باکو.
۳۸. محمدی، رضا، و سیدبابک حسینی فیروزآبادی. ۱۳۹۵. زمینه‌گرایی در خلق معماری. پنجمین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم

- جغرافیا و برنامه‌ریزی، معماری و شهرسازی. تهران.
۳۹. مرید صداقت، هانیه، و هانیه احمدی. ۱۳۹۳. بررسی و تحلیل زمینه‌گرایی در برخی از سبک‌های دوره‌های مدرن و پست مدرن و مرور سوابق جهانی آن. کنفرانس بین‌المللی روش‌های نوین طراحی و ساخت در معماری زمینه‌گرا. تبریز.
۴۰. منصوری، سیدامیر، شهره جوادی، فرنوش مخلص، و سمانه رحمدل. ۱۳۹۹. سه‌گانه منظر ایرانی: پژوهشی در جوهر فضای معماری و شهر ایرانی. تهران: پژوهشکده هنر معماری و شهرسازی نظر.
۴۱. میرعبدالعظیم‌زاده میرمبینی، زهرا، زینب میرعبدالعظیم‌زاده میرمبینی، و سعید اسماعیلی. ۱۳۹۵. فلسفه پاسااختار گرایی ژاک دریدا در معماری. دومین همایش بین‌المللی معماری، عمران و شهرسازی در آغاز هزاره سوم. تهران.
۴۲. میری حکیم‌آباد، یاسمین سادات، محدثه عمرانی، سارا گلستانی، و حامد کامل‌نیا. ۱۴۰۰. زمینه‌گرایی در معماری بعد از انقلاب اسلامی در ایران. کنفرانس ملی معماری، عمران، شهرسازی و افق‌های هنر اسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب. تبریز.
۴۳. نادریان، زهره و رضا قشقایی. ۱۴۰۱. تحلیل و بررسی زمینه‌گرایی در شکل و فرم معماری و شهرسازی معاصر جهان. علوم زیست‌محیطی و دانش جغرافیا ۴ (۱): ۱-۱۴.
۴۴. ناری قمی، مسعود. ۱۳۹۶. نظریه معماری اسلامی یا نظریه اسلامی معماری: نقدی بر اصالت اسلامی رویکردهای نظری و عملی در دوران معاصر. فرهنگ معماری و شهرسازی اسلامی ۳ (۲): ۱۷-۳۱.
۴۵. ندیمی، هادی، رضا ابوتی، و زینب مرادی. ۱۳۹۸. تبیین مفهوم سبک شناسی معماری با معرفی رویکرد جدید در سبک شناسی معماری ایران (با انگیزه حفاظت معماری). معماری اقلیم گرم و خشک ۷ (۱۰): ۱-۲۹.
۴۶. نقره‌کار، عبدالحمید. ۱۴۰۰ الف. مبانی نظری معماری. تهران: دانشگاه پیام نور.
۴۷. نقره‌کار، عبدالحمید. ۱۴۰۰ ب. حکمت اسلامی در خلق آثار هنری معماری و شهرسازی. تهران: سروش.
۴۸. نقره‌کار، عبدالحمید، و سلمان نقره‌کار. ۱۴۰۳. ارزیابی و جایگاه روش‌های تحقیق جزءنگر و جامع‌نگر اسلامی، مخاطبین خاص: محققین و هنرمندان رشته‌های هنری و معماری و شهرسازی. پژوهش‌های معماری اسلامی ۱۲ (۴): ۱۲۶-۱۴۱.
۴۹. نقوی، پویان، و حامد مظاهریان. ۱۳۹۸. تحلیل نظریات معاصر در مواجهه با زمینه در طراحی معماری. باغ نظر ۱۶ (۷۴): ۶۹-۸۰.
۵۰. نیائی، الهام، و علیرضا عینی‌فر. ۱۴۰۱. تحول مفهوم زمینه و زمینه‌گرایی در معماری. نهمین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم جغرافیا، معماری و شهرسازی ایران. تهران.
۵۱. نیکنام، مهدی. ۱۳۹۶. بررسی تطبیقی سبک‌های معماری ایرانی در دوره بعد از اسلام با معماری و شهرسازی معاصر. چهارمین کنفرانس بین‌المللی فناوری‌های نوین در مهندسی عمران، معماری و شهرسازی. تهران.
۵۲. ونتوری، رابرت، دنیس اسکات‌براون، و استیون آیزنور. ۱۳۹۹. از لاس‌وگاس بیاموزیم: نمادگرایی فراموش شده فرم‌های معماری. ترجمه‌ی سیامک پناهی. تهران: عصر کنکاش.
۵۳. هاتفی، بهزاد، و امیرحسین فرحی‌نیا. ۱۳۹۳. زمینه‌گرایی در معماری بومی ایران. کنفرانس بین‌المللی روش‌های نوین طراحی و ساخت در معماری زمینه‌گرا. تبریز.
۵۴. هال، استیون اچ.، یوهانی پالاسما، و آلبرتو پرز گومز. ۱۳۹۵. پرسش‌های ادراک: پدیدارشناسی معماری. ترجمه‌ی مرتضی نیک‌فطرت، سیده‌صدیقه میرگذارلنگرودی، و احسان بی‌طرف. تهران: کتاب فکر نو.

References

1. Ackaouy, Luana. 13 Nov 2020. *At One With Nature: the Philosophy of Organic Architecture*. <<https://archive.wbcsd.org/Overview/Panorama/Articles/At-one-with-nature-the-philosophy-of-organic-architecture>>.
2. Ahmadi, Fereshteh, Fatemeh Taslimi, and Mohammad Rezaei. 2016. An Introduction to the Architectural Style of Khorasan, Explanation and Analysis of Its Ideas. *Biennial Conference on Society and Contemporary Architecture*. Isfahan.
3. Akbari, Ali Akbar, Kaveh Bazrafkan, Farhad Tehrani, and Hossein Soltanzadeh. 2017. Conceptualism and Regionalism Planning Methods in the Iranian Architecture (Case Study: Distinctive Works of Different Eras in Tehran Architecture). *Intehation Journal of Urban and Rural Management* 16 (48): 327-342.
4. Akef, Kaveh, and Seyed Ali Nouri. 2015. Contextual Architecture: Transition from Modernism. *The First Annual Conference of Architecture, Urban Planning & Urban Management*. Yazd.
5. Alexander, Christopher. 2002. *The Nature of Order: An Essay on the Art of Building and the Nature of the Universe*. Berkeley: Center for Environmental Structure.
6. Bahrieh, Parusha, Sahar Toofan, and Shabnam Akbari Namdar. 2019. Investigation and Determination

of the Evolution Process of Architecture in the Structure of the Tabriz Bazaar with Emphasis on Contextualism. *Iranian Islamic City Studies* 10 (39): 5- 16.

7. Bamsheki, Samira, and Shamsi Parsa. 2015. Deconstruction in Literature and Its Manifestation in Architecture. *The First National Conference on Architecture, Music, Literature*. Tehran.
8. Bani-Masoud, Amir. 2021. Contemporary Architecture in Iran from 1304 to the Present. Mashhad: Kasra.
9. Bolandian, Mohammad Mahdi, and Sara Naseri. 2015. Discourse Analysis In The Evaluation Of Architectural Approaches And Practices Among Urban Areas In The Age Of Globalization. *International Journal of Urban and Rural Management* 13 (37): 299-326.
10. Brolin, Brent. 2016. *Contextual Architecture: Adapting New Buildings to the Old*. Translated by Razieh Rezazadeh. Isfahan: Khak.
11. Bush-Brown, Albert. August 1959. The Honest Arrogance of Frank Lloyd Wright. *The Atlantic*. <<https://www.theatlantic.com/magazine/archive/1959/08/the-honest-arrogance-of-frank-lloyd-wright/640130/>>.
12. Derrida, Jacques. 1978. *Writing and Difference*. Chicago: University of Chicago Press.
13. Derrida, Jacques. 1979. *Speech and Phenomena: and Other Essays on Husserl's Theory of Signs*. Trans. David B. Allison. Evanston: Northwestern University Press.
14. Derrida, Jacques. 1998. *Of Grammatology*. Baltimore: Johns Hopkins University Press.
15. Derrida, Jacques. 2007. Structure, Sign, and Play in the Discourse of the Human Sciences. Macksey, Richard A. and Eugenio Donato. *The Structuralist Controversy: The Languages of Criticism and the Sciences of Man*. 40th Anniversary. Baltimore: Johns Hopkins University Press 360: 247-272.
16. Derrida, Jacques. 2017. *Margins of Philosophy*. Trans. Alan Bass. Chicago: University Of Chicago Press.
17. Derrida, Jacques. *Aporias*. 1993. Trans. Thomas Dutoit. Redwood City: Stanford University Press.
18. Durmus, Serap and Sengul Oymen Gur. 2011. Methodology of deconstruction in architectural education. *Procedia- Social and Behavioral Sciences* (15): 1586-1594.
19. Eisenman, Peter. 2007. *Written into the Void: Selected Writings, 1990-2004*. New Haven: Yale University Press.
20. Eisenman, Peter. 2018. *The Formal Basis of Modern Architecture*. Baden: Lars Müller Publishers.
21. Fairclough, Norman. 1995. Critical Discourse Analysis: The Critical Study of Language (Language in Social Life). Boston: Addison-Wesley.
22. Faizi, Farzad, and Sara Sadeghi. 2023. Study of Examples of the Main Pillars of Power (Political, Economic and Religious Power) in Architectural Complexes of the Ilkhanid Period (Case Study: Soltanieh Dome). *Journal of Islamic Art and Culture* 4 (9): 172-184.
23. *Fallingwater*. 13 2025. <<https://franklloydwright.org/site/fallingwater/>>.
24. Farhangdoust, Hadi, and Hero Farkisch. 2022. Investigating the Scope and System of Theoretical Foundations in the Study of Contemporary Architecture. *Andishname-ye Me'mari* 2(3): 161-182.
25. Farhangdoust, Hadi, Hero Farkisch, and Toktam Hanaee. 2022. Evolution of Theoretical Foundations of Contemporary Architecture and Urban Planning; Transition From the Discourse of Impressionability to Influence. *Interdisciplinary Studies of Iranian Architecture* 1(2): 71-103.
26. Frampton, Kenneth. 1993. Toward a Critical Regionalism: Six Points for an Architecture of Resistance. Docherty, Thomas. *Postmodernism: A Reader*. London: Routledge
27. Francesco, Vitale. 2010. Jacques Derrida and the Politics of Architecture. *SAJ- Serbian Architectural Journal* 2 (3): 215-226.
28. Ghalehnoee, Mahmoud. 2023. Origins of Thought and Methods of Contextualism in Urbanism, Architecture and Fields Affecting the Two, From The 1960 to The Present. *Journal of Urban Studies on Space and Place* 7(25): 5-28.
29. Ghanbari, Nasser, and Yeganeh Mansour. 2017. Principles of Designing Cultural Buildings with a Contextual Approach in Contemporary Iranian Architecture. *Studies in Geography, Civil Engineering and Urban Management* 3 (1): 39-57.
30. Ghasemi, Hamid, et al. 2023. *A comprehensive Guide To Research*. Tehran: Andishe Ara.
31. Ghobadian, Vahid. 1401. *Stylistics and Theoretical Foundations in Contemporary Iranian Architecture*. Compiled by Akbar Nemati, Elaheh Mohebi, and Mahin Asadollah. Tehran: Ketab-e Fekr-e No.
32. Giedion, Sigfried. 2009. *Space, Time and Architecture: The Growth of a New Tradition*. Cambridge: Belknap Press: An Imprint of Harvard University Press.



33. Graff, Stuart. 11 5 2018. *Organic Architecture and the Sustaining Ecosystem*. <<https://franklloydwright.org/organic-architecture-and-the-sustaining-ecosystem/>>.
34. Haddad, Elie. 2010. Christian Norberg-Schulz's Phenomenological Project In Architecture. *Architectural Theory Review* 15 (1): 88-101.
35. Hall, Steven H., Johanni Palasma, and Alberto Perez Gomez. 2016. *Questions of Perception: A Phenomenology of Architecture*. Translated by Morteza Nikfitrat, Seyedeh Sadigheha Mirgozar Langroudi, and Ehsan Bitarf. Third edition. Tehran: Ketab-e Fekr-e No.
36. Haq Lesan, Masoud, and Ehsan Shafaq Niloui. 2017. Re-examining the Qualitative Research Method. *5th International Congress on Civil Engineering, Architecture and Urban Development*. Tehran.
37. Hatefi, Behzad, and Amirhossein Farhinia. 2014. Contextualism in Iranian Vernacular Architecture. *International Conference on New Design and Construction Methods in Contextual Architecture*. Tabriz.
38. Hosseininassab, Saba. 2018. *Contextualism and Architecture: A Study of Socio-Cultural Approaches in Contemporary Iranian and Western Architecture*. Tehran: Dar Al-Fonun.
39. Hoteit, Aida. 2015. Deconstructivism: Translation From Philosophy to Architecture. *Canadian Social Science* 11 (7): 117-129.
40. Kashani-Nasab, Shervin. 1402. Study and Analysis of Iranian Architectural Styles during the Islamic Era and their Impact on Contemporary Urban Planning. *5th International Conference & 6th National Conference on Civil Engineering, Architecture, Art and Urban Design*. Tabriz.
41. Kasmai, Morteza. 2013. *Climate and Architecture*. Isfahan: Khak.
42. Kazemi, Mehrush, and Ayoub Hosseinzadeh. 2017. An analytical Approach to Jacques Derrida's Thoughts and Its Impact on Architecture. *5th International Congress on Civil Engineering, Architecture and Urban Development*. Tehran.
43. Khorsandnikoo, Morteza, and Delaram Sabokro. 2023. An Investigation of the Effect of Power Structure on the Architecture in the First Pahlavi Period. *The Monthly Scientific Journal of Bagh-e Nazar* 20 (124): 83-92.
44. Kiani, Mohammad Yousef. 2023. *Iranian Architecture of the Islamic Period*. Tehran: SAMT.
45. Lakatos, Andrei Eugen. 2017. *Conversion in the context. The regeneration of industrial spaces*. Ed. Elena Tărcuță. București: Arhitecților Din România.
46. Mackay-Lyons, Brian, and Robert McCarter. 2014. *Local Architecture: Building Place, Craft, and Community*. New York: Princeton Architectural Press.
47. Mambrol, Nasrullah. 22 March 2016. *Aporia*. <<https://literariness.org/2016/03/22/aporia/>>.
48. Mansouri, Seyed Amir, Shohreh Javadi, Farnoosh Mokhles, and Samane Rahmdel. 2019. *The Iranian Landscape Trilogy: A Study in the Essence of Iranian Architectural and Urban Space*. Tehran: Nazar Research Institute of Art, Architecture and Urban Planning.
49. Mir Abdolazimzadeh Mirombini, Zahra, Zeinab Mir Abdolazimzadeh Mirombini, and Saeed Esmaeeli. 2016. Jacques Derrida's Poststructuralist Philosophy in Architecture. *The Second International Conference on Architecture, Civil Engineering and Urban Planning at the Beginning of the Third Millennium*. Tehran.
50. Miri Hakimabad, Yasmin Sadat, Mohaddese Omrani, Sara Golestani, and Hamed Kamelnia. 2021. Contextualism in Architecture after the Islamic Revolution in Iran. *National Conference on Architecture, Civil Engineering, Urban Development and Horizons of Islamic Art in the Second Step Statement of the Revolution*. Tabriz.
51. Mohammadi, Babak, and Bahareh Joodat. 2021. A General Survey of Post-Islamic Architecture in Iran and Its Role in the Khorasani, Isfahani, Azari and Razi styles (Case Studies: Damghan Historical Mosque- Chehel Sotun Palace- Sheikh Safi al-Din Ardebili Tomb- Ardestan Grand Mosque). *1st International Conference on Design in Civil Engineering, Architecture and Urban Planning*. Baku.
52. Mohammadi, Reza, and Seyyed Babak Hosseini Firouzabadi. 2016. Contextualism in the Creation of Architecture. *Fifth National Conference on Sustainable Development in Science, Geography and Planning, Architecture and Urban Planning*. Tehran.
53. Morid Sedaghat, Hanieh, and Hanieh Ahmari. 2014. Study and Analysis of Contextualism in Some Styles of the Modern and Postmodern Periods and a Review of Its Global Precedents. *International Conference on New Design and Construction Methods in Contextual Architecture*. Tabriz.
54. Naderian, Zohre, and Reza Qashqai. 2022. Analysis and Investigation of Contextualism in the Shape and Form of Contemporary Architecture and Urban Planning in the World. *Environmental Science and Geography*



4(1): 1- 14.

55. Nadimi, Hadi, Reza Abouie, and Zeinab Moradi. 2020. Explaining the Concept of Architecture Stylistics by Introducing a New Approach in Iran's Architecture Stylistics (Motivated by Architectural Conservation). *Journal of Architecture in Hot and Dry Climate* 7(10): 1-29.

56. Naghavi, Pooyan, and Hamed Mazaherian. 2019. Analysis of Contemporary Theories When Encountering the Context in Architectural Design. *The Monthly Scientific Journal of Bagh-e Nazar* 16(74): 69-80.

57. Nari Qomi, Masoud. 2018. Theory of Islamic Architecture vs. Islamic Theory of Architecture: A Critical Appraisal of the Contemporary Theoretical and Practical Approaches from the Islamic Perspective. *Culture of Islamic Architecture and Urbanism Journal* 3 (2): 17-31.

58. Niaei, Elham, and Alireza Ainifar. 2022. The Evolution of the Concept of Context and Contextualism in Architecture. *The 9th National Conference on Modern Studies and Research in Geography, Architecture and Urban Development of Iran*. Tehran.

59. Niknam, Mehdi. 2017. A Comparative Study of Iranian Architectural Styles in the Post-Islamic Period with Contemporary Architecture and Urban Planning. *The Fourth International Conference on New Technology in Architecture Engineering and Town Planning in Iran*. Tehran.

60. Noghrekar, Abdolhamid, and Salman Noghrekar. 2024. Evaluation and Positioning of Islamic Particularist and Holistic Research Methods, Target Audience: Researchers and Practitioners in the Fields of Arts, Architecture, and Urban Planning. *Journal of Researches in Islamic Architecture* 12(4): 126-141.

61. Noghrekar, Abdolhamid. 2021a. *Theoretical Foundations of Architecture*. Tehran: Payam Noor University.

62. Noghrekar, Abdolhamid. 2021b. *Islamic Wisdom in Creating Artistic Works of Architecture and Urban Planning*. Tehran: Soroush.

63. Norberg-Schulz, Christian. 1979. *Genius Loci: Towards a Phenomenology of Architecture*. New York: Rizzoli.

64. Ochshorn, Jonathan. 2021. *Building Bad: How Architectural Utility is Constrained by Politics and Damaged by Expression*. London: Lund Humphries.

65. Omrani, Anahita. 2018. A Study of Qualitative Research Methods in Architecture. *International Conference on New Horizons in Engineering Sciences*. Istanbul.

66. Pirnia, Mohammad Karim, and Gholamhossein Memarian. 2018. *Stylistics of Iranian Architecture*. Collected by Ali Mohammad Ranjbar Kermani. Tehran: Goljam.

67. Rahimi, Hojatollah. 2021. Lefebvre or Derrida: Deconstructive Questioning the Concept of the Right to the City. *Wisdom And Philosophy* 17(68): 63-99.

68. Rashidzadeh, Hooman. 2021. A Comparative Study of the Contextual Approach in Contemporary Iranian Architecture (Case Study: Fars National Library and Documentation Center). *National Conference on Architecture, Civil Engineering, Urban Development and Horizons of Islamic Art in the Second Step Statement of the Revolution*. Tabriz.

69. Razavinia, Seyyed Mohammad Hossein. 2018. *Housing Architecture and Cultural Contextualism*. Tehran: Tavangaran.

70. Riyahizadeh, Majid, Mohammadmansour Falamaki, and Mohamadreza Pourzargar. 2022. Reading the Relationship between Historicism and the Concept of Identity in the Modern Architecture Heritage of Tehran (1310-1320). *Naqshejahan- Basic studies and New Technologies of Architecture and Planning* 12(3): 1-21.

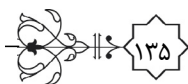
71. Rossi, Aldo. 1984. *The Architecture of the City*. Cambridge: The MIT Press.

72. Rostami, Ramin, and Roohollah Pirizadeh. 2014. A Study of a Sample of Contextual Elements in Traditional Iranian Architecture. *International Conference on New Design and Construction Methods in Contextual Architecture*. Tabriz.

73. Sadat, Sayede Ashraf, Esmail Zarghami, and Ali Khaki. 2016. A Comparative Study of Sustainable Architecture and Compliance with the Vernacular Architecture of Traditional Houses in Iranian-Islamic. *Journal of Sustainable Architecture and Urban Design* 3(1): 15-30.

74. Seydin, Seyyed Amin. 2012. Explaining the Relationship between the Concepts of Vernacular Architecture and Sustainability Through Addressing the Duality of Tradition and Modernity. *The first National Conference on Recreating Cultural-Historical Life in Contemporary Iranian City Management*. Gilan-Lahijan.

75. Shahed, Zohreh, and Fatemeh Shahroudi. 2018. The Contrast of Tradition and Modernity in Iranian Monuments from the 1920s to the 1950s (Case Study: Bu-Ali Sina Mausoleum in Hamedan). *Fourth National*



- Conference on Civil Engineering and Architecture with Emphasis on Indigenous Technologies of Iran*. Tehran.
76. Shams Dehkordi, Milad, Afshin Raisi Dehkordi and Sama Sadeghi. 2016. Investigating the Dimensions of Contextualism in Architecture from a Cultural Perspective. *The First Competition of the Comprehensive International Conference on Engineering Sciences in Iran*. Gilan-Bandar Anzali.
77. Soheili, Jamal-eddin, and Zahra Bahr-ol-Oloumi. 2014. *Contextualism in Architecture*. Tehran: Gohardanesh.
78. Tavalai, Novin. 2001. Contextualism in Urban Planning. *Honarhaye Ziba* (10): 34-43.
79. Tschumi, Bernard. 1996. *Architecture and Disjunction*. Cambridge: The MIT Press.
80. Venturi, Robert, Dennis Scott Brown, and Steven Eisenhower. 2019. *Learning from Las Vegas: The Forgotten Symbolism of Architectural Forms*. Translated by Siamak Panahi. Tehran: Asr-e Kankash.
81. Vitruvius. 2019. *Vitruvius: The Ten Books on Architecture*. Trans. Morris Hicky Morgan. Delhi: Lector House.
82. Wright, Frank Lloyd and Andrew Saint. 2017. *An Organic Architecture: The Architecture of Democracy*. London: Lund Humphries.
83. Zoghi Hosseini, Elahe. 2025. The Evolution of Regionalism in Architecture: From the Past to the Present. *Contextual Architecture and Urbanism Design Studies* 1(1): 106-126.

